

رویکرد انجمنی به اخلاق حرفه‌ای علم در ایران

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۵، شماره ۵: ۳۲۷-۳۲۲

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

سید محمد امین قانع‌راد

عضو هیأت علمی پیشین مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

معصومه قاراخانی^۱

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی

سید آیت الله میرزایی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی

پذیرش ۹۶/۱۲/۷

دریافت ۹۶/۷/۲۲

چکیده

یکی از وظایف حرفه‌ای انجمن‌های علمی، انتقال ارزش‌های مبتنی بر رشته علمی به عنوان اصلی‌ترین وظیفه و همچنین انتقال ارزش‌های تاریخی و سنتی جامعه به اعضای‌شان است. در این مقاله برای پرداختن به وظیفه نقش انجمن‌های علمی در ارتباط با اخلاق حرفه‌ای علم از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت‌مند با کنشگران و اعضای انجمن‌های علمی استفاده شد. سپس دستاوردهای پژوهش در قالب چند مقوله اصلی شامل «تعریف اخلاق حرفه‌ای علم»، «فضای هنجاری علم»، «نقش انجمن‌های علمی در ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم» و «راه‌کارهای ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم» از رویکرد انجمنی صورت‌بندی و ارائه شده است. تحلیل یافته‌ها و برآیند نتایج این پژوهش نشان می‌دهد به رغم حساسیت بسیار زیاد انجمن‌های علمی در ایران نسبت به مسأله اخلاق علم فعالیت چندانی در زمینه ترویج اخلاق حرفه‌ای علم در میان آنها وجود ندارد. از یک سو موقعیت ساختاری انجمن‌های علمی، رهاشدگی و استفاده ابزاری از آنها به همراه کاستی‌های ساختار درونی انجمن‌ها و پایین بودن مشارکت انجمنی کارکرد آنها را در زمینه اخلاق حرفه‌ای علم تحلیل برده است و از سوی دیگر سیاست‌های تسهیل‌کننده ناراستی‌های علمی و سکوت سیاست‌گذار در برابر رواج این ناراستی‌ها، شکل‌گیری یک ماراتون سراسری علم‌سازی به جای علم‌ورزی و در نتیجه رهاشدگی اخلاق حرفه‌ای علم را در پی داشته است. در پایان دو دسته راه‌کارهای فرایندی و ساختاری برای بهبود وضعیت اخلاق حرفه‌ای علم از رویکرد انجمنی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه‌ای، اخلاق علم، انجمن‌های علمی، اجتماع علمی، جامعه‌شناسی علم.

^۱ پست الکترونیکی: (نویسنده مسئول) qarakanim@gmail.com

مسأله اخلاق حرفه‌ای علم

در سال‌های اخیر مسأله «اخلاق حرفه‌ای علم» یا به اختصار «اخلاق علم» به یکی از مهم‌ترین چالش‌های علم در ایران مبدل شده است. برخی پژوهشگران از رویکردی جامعه‌شناختی مسأله اخلاق علم را مسأله‌ای اجتماعی و در اصل آن را پدیده‌ای اجتماعی تلقی می‌کنند (قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۶) و بر این باورند که ساخت دولتی نهاد علم در ایران بروز ناراستی‌های علم را تسهیل و حتی تقویت می‌نماید (میرزایی و قاراخانی، ۱۳۹۳ الف، ۱۳۹۶). از این رو، در این پژوهش به انجمن‌های علمی، که گمان می‌رود فاصله بیشتری از ساختار بالا به پایین و دولتی علم در ایران دارند باز می‌گردیم، تا با رویکردی واقع‌بینانه و تجربی به بررسی عملکرد آنها در زمینه اخلاق علم در ایران بپردازیم تا امکان رهایی از وضعیت مسأله‌مند اخلاق علم را با توجه به نقش آنها بررسی نماییم. این نکته را نیز مد نظر داریم که انجمن‌های علمی نیز دچار همان چالش‌های ساختی و کارکردی اجتماعات علمی در ایران هستند (بنگرید به عبداللهی، ۱۳۸۱؛ قانع‌راد و همکاران، ۱۳۹۶؛ قانع‌راد، ۱۳۸۵ الف، ۱۳۸۵ ب، ۱۳۸۵ پ؛ قانع‌راد و خسرو خاور، ۱۳۹۰؛ عباداللهی و خستو، ۱۳۹۱؛ جانعلی‌زاده چوبستی و علیزاده، ۱۳۹۳). با وجود این، انتظار می‌رود انجمن‌های علمی بنابر ماهیت مدنی و استقلال نسبی‌شان به مسوولیت نقش خود در زمینه اخلاق حرفه‌ای علم عمل نمایند.

انجمن‌های علمی با توجه به جایگاه‌شان «به عنوان نمایندگان حرفه» (برد، ۱۹۹۸: ۳۱۶) از اجزای اصلی ساختار اجتماع علمی هستند و پیدایش و تشکیل آنها در اروپای سده هفدهم نشانه توان فزاینده و رو به رشد جنبش علمی محسوب می‌شد همین انجمن‌ها علم را به پدیده‌ای فکری و نیز اجتماعی تبدیل کردند (وستفال، ۱۳۸۷). انجمن علمی حسب تعریف، سازمانی مشارکتی، داوطلبانه و مبتنی بر همکاری آگاهانه و ارتباطات علمی میان افراد متخصص یک رشته علمی است (بنگرید به ابراهیمی، ۱۳۷۲؛ امیرشیبانی، ۱۳۷۳؛ عبداللهی، ۱۳۸۱؛ آراسته، ۱۳۸۳). برای انجمن‌های علمی نقش‌هایی مانند بازآموزی، ارتباطات علمی، آموزش، پژوهش و مشاوره (آراسته، ۱۳۸۳: ۲۵) و کارکردهایی مانند ایجاد ارتباطات علمی میان دانشمندان، تعیین هدایت اولویت‌های تحقیقاتی، ایجاد و اعمال هنجارها و استانداردهای علمی، دفاع از منافع حرفه‌ای دانشمندان و کنترل نسبی بر کاربرد نتایج تحقیقات علمی در جامعه بر شمرده می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۳۳) که همگی به عنوان نقش‌ها و کارکردهای حرفه‌ای انجمن‌های علمی در نظر گرفته می‌شود.

در دوره معاصر، انجمن‌های علمی همچنین به عنوان منبع مهمی از هویت حرفه‌ای برای دانشمندان عمل کرده‌اند و دانشمندان عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای را راهی برای ملاقات و کنش متقابل با همکاران‌شان و نیز محلی برای ارائه فعالیت‌هایشان می‌دانند (فرانکل و برد، ۲۰۰۳: ۱۳۹). ظرفیت انجمن‌های علمی صرفاً به حل مسائل علمی^۱ ختم نمی‌شود (کورنفلد و هویت، ۱۹۸۱) و انجمن‌ها می‌توانند ظرفیت‌های خود را برای دستیابی به اجماع هنجاری و اخلاقی در فضای علم نیز بسط دهند و با فراهم نمودن ساختارهای تعاملاتی و هنجاری به خلاقیت فکری و توسعه علم کمک نمایند. اهمیت نقش انجمن‌های علمی در توسعه اخلاق حرفه‌ای و ضمانت اجرایی آن‌ها به دلیل وجود فضای تعاملی و روابط غیربوروکراتیک سازمانی است که عبداللهی (۱۳۸۱) از آن به عنوان «اهداف حرفه‌ای» انجمن‌های علمی یاد می‌کند. از طرفی برخلاف بسیاری از تحلیل‌های آغازین درباره اخلاق آکادمیک (پژوهش‌های اولیه و نیز نشریات عامیانه) که بر نقش فرد تأکید داشتند، با این تغییر رویکرد، بر محیط فعالیت علمی و تأثیرش بر رفتار اخلاقی تأکید بیشتری شده است و بحث از ناراستی‌های اخلاق علم به موضوع شرافت علم تبدیل شده است (اندرسون و شولتز، ۲۰۰۳).

در ایران نیز اگر چه با حجم بسیار زیادی از نوشتارها و گفتارهای پیرامون اخلاق علم مواجه می‌شویم که عمدتاً مسأله اخلاق علم را به فرد فروکاسته‌اند اما پژوهش‌های دیگری نیز وجود دارد که از رویکرد جامعه‌شناسی بر محیط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فعالیت علمی و تأثیرش بر کنش علمی اخلاق‌مند تأکید شده است و به مسائل و کاستی‌های فضای فعالیت علمی و پیامدهای آن به طور عام (طایفی، ۱۳۸۰؛ عبداللهی، ۱۳۸۱؛ قانع‌راد، ۱۳۸۵ الف؛ قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶) یا به طور خاص مسأله اخلاق پژوهش (میرزایی و قاراخانی، ۱۳۹۳ الف و ۱۳۹۳ ب، ۱۳۹۶) و مسأله اخلاق آموزش (قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵) توجه بیشتری کرده‌اند.

با وجود توجهی که در چند دهه اخیر به اخلاق حرفه‌ای علم شده است تأکید بر نقش اثرگذار انجمن‌های علمی در ارتقای شرافت علمی و فعالیت‌های درخشان برخی انجمن‌های علمی، این گفته لویند و یتکوویچ (۲۰۰۳) شایسته توجه است که «هنوز [هم] دانش تجربی و سیستماتیک اندکی درباره تأثیر انجمن‌های علمی بر شرافت علم وجود دارد». این خلاء شناختی به ویژه در

۱ اجتماعات علمی به عنوان "نظام‌های موازی" حسب درجه بالای همزمانی و ماهیت تلاش‌های همسو، نقش مهمی در حل مسائل علمی دارند. (کورنفلد و هویت، ۱۹۸۱)

ایران به سبب فقر دانش تجربی درباره نقش انجمن‌های علمی در ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم بیشتر مشهود است. از نقطه نظر ماهیت جمعی و اجتماعی علم از انجمن‌های علمی به عنوان رکن اجتماع علمی رشته در ایفای نقش حرفه‌ای و اخلاقی انتظارات زیادی می‌رود. به باور آیورسون و همکارانش، انجمن‌های علمی به عنوان گروه‌های هنجاری، با پرداختن به دامنه‌ای از کنش‌ها و ارتقای رفتار مسوولانه در پژوهش، مرجع برجسته‌ای برای زندگی حرفه‌ای اعضا تلقی می‌شوند. آنها به عنوان نهادهای مستمر و بادوام برای اعضای‌شان، متولیان ارزش‌ها و استانداردهای اخلاق هستند و برای کمک به نسل‌های بعدی دانشمندان جایگاه ویژه‌ای برای تحقق ارزش‌ها و استانداردهای اخلاق دارند (آیورسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۴۱). پژوهش پیش‌رو نیز گامی در جهت شناخت، ایجاد و گسترش دانش نظری و تجربی درباره نقش انجمن‌های علمی ایرانی برای ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم در ایران است.

در حال حاضر بیش از سیصد و پنجاه انجمن علمی در گروه‌های تخصصی علوم پایه، کشاورزی، فنی و مهندسی، علوم انسانی، بین‌رشته‌ای و هنر در ایران وجود دارد که به طور رسمی در ساختار علمی کشور تعریف و ثبت شده‌اند. همچنین بر اهمیت نقش انجمن‌های علمی در نظام علمی کشور هم در «برنامه پنجم توسعه» و هم در «نقشه جامع علمی کشور» تأکید شده است. یکی از کارکردهای اصلی که از انجمن‌های علمی انتظار می‌رود نقشی است که آن‌ها در ترویج و ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم برعهده دارند. از این رو درک مسأله و فهم تعریف و برداشت انجمن‌های علمی از اخلاق حرفه‌ای علم؛ شناخت دغدغه و تجربه آنها در رابطه با مسأله اخلاق علم؛ توانایی‌ها، قابلیت‌ها و عملکردها، مشکلات، محدودیت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی آنها برای ارائه پیشنهادها و راهکارها ضرورت دارد.

روش پژوهش

از آن جایی که این پژوهش از منطقی استقرایی تبعیت می‌کند از این رو با توجه به خصلت اکتشافی پژوهش، بدون هیچ‌گونه پیش فرض نظری به سراغ تجربیات انجمن‌های علمی ایرانی مورد مطالعه می‌رویم. از این رو در این پژوهش با کاربست روش کیفی و تحلیل و تفسیر یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته تلاش می‌شود نیم‌رخ‌های از نقش انجمن‌های علمی ایرانی در زمینه اخلاق حرفه‌ای علم به دست داده شود. به این منظور از فهرست

انجمن‌های علمی کمیسیون انجمن‌های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتشر شده در ۱۳۹۴ ه.ش. نمونه‌ای از انجمن‌ها با توجه به دلایل نظری و آماری مانند فعال بودن یا غیرفعال بودن، رتبه‌بندی A, B، علاقه به همکاری، سابقه انجمن و فعالیت‌های مرتبط با اخلاق حرفه‌ای علم انتخاب شدند. فرایند انتخاب نمونه‌ها تا اشباع نظری و تکرار یافته‌ها/ پاسخ‌ها بر پایه پرسش‌های ارائه شده استمرار یافت و از نمونه ششم و هفتم دریافتیم که به رغم تنوع رشته‌ای استمرار نمونه‌گیری پاسخ‌های متنوع و متفاوت دیگری به دست نمی‌دهد (بنگرید به جدول ۱). تکنیک گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه ساخت یافته با مدیران انجمن‌های علمی یا یکی از اعضای هیأت مدیره آنان بوده است.

جدول ۱. نمونه مورد پژوهش (انجمن‌های رتبه A و B)

نام انجمن	رتبه	مصاحبه شونده	گروه	تاریخ مصاحبه	زمان مصاحبه	مکان مصاحبه
انجمن مدیریت اطلاعات ایران	A	دکتر علی‌رضا ثقه‌الاسلام	بین‌رشته‌ای	۱۳۹۴/۱۲/۱۸	۱:۴۰	پژوهشگاه فناوری اطلاعات ایران
انجمن احتراق ایران	A	دکتر کیومرث مظاهری	فنی و مهندسی	۱۳۹۵/۲/۲۶	۱:۲۴	دانشگاه تربیت مدرس
انجمن انرژی ایران	B	دکتر محمد ساتکین	بین رشته‌ای	۱۳۹۵/۲/۲۸	۱:۴۰	پژوهشگاه نیرو
انجمن مهندسی حمل و نقل ریلی ایران	A	مهندس ابوالفضل بهره‌دار	فنی و مهندسی	۱۳۹۵/۳/۳	۱:۲۰	دفتر انجمن
انجمن زبان و ادبیات فارسی ایران	A	دکتر حسن ذوالفقاری	علوم انسانی	۱۳۹۵/۳/۴	۱:۲۰	دانشگاه تربیت مدرس
انجمن ریاضی ایران	A	دکتر رحیم زارع‌نهندی	علوم پایه	۱۳۹۵/۳/۲۳	۱:۱۰	دانشگاه تهران
انجمن مهندسی شیمی	A	دکتر مجتبی شمس‌پور	علوم پایه	۱۳۹۵/۳/۱۷	۱:۳۰	دانشگاه تربیت مدرس

برای تحلیل داده‌ها متناسب با رویکرد تفسیری از تکنیک تحلیل محتوای کیفی و برای آماده‌سازی داده‌های حاصل از مصاحبه جهت تفسیر از کدگذاری نظری طی یک فرایند سه مرحله‌ای استفاده شده است. در مرحله اول از کدگذاری باز برای صورتبندی داده‌ها در قالب مقوله‌ها استفاده شد. بنابراین، نخست داده‌ها از یکدیگر تفکیک شده و بر اساس تشابه معانی ذیل مقوله‌ها قرار گرفتند. متون مرتبط با هر کد نیز تفکیک شد تا پس از آن ذیل کد مربوط قرار گیرد. در مرحله دوم، کدگذاری محوری انجام شد. در این مرحله، که هدف برقراری ارتباط

بین مقوله‌های فرعی و اصلی است، مقوله‌هایی که به نظر پرکاربردتر بودند و انطباق و تناسب بیشتری با داده‌ها فراهم می‌نمودند انتخاب شدند. در واقع مقوله‌ها به شیوه‌ای انتخاب شدند که پاسخ‌گوی پرسش‌های پژوهش باشند. در مرحله سوم، کدگذاری گزینشی به کارگرفته شد. کدگذاری گزینشی ذیل مقوله‌هایی صورت گرفت که برای کدگذاری محوری انتخاب شده بودند. این مرحله امکان بازیابی جزئیات بیشتری از مقوله‌ها را به دست داد و وضوح بیشتری برای تفسیر داده‌ها ایجاد نمود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از تحلیل و تفسیر مصاحبه‌ها در قالب چند مقوله اصلی شامل «تعریف اخلاق حرفه‌ای علم»، «فضای هنجاری علم از نقطه نظر انجمن‌های علمی»، «نقش انجمن‌های علمی در ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم» و «راه‌کارهای ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم» صورت‌بندی و ارائه شده است. جدول ۲ مقوله‌های اصلی و فرعی در این بخش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مقوله‌های اصلی و فرعی مصاحبه با انجمن‌های علمی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
رویکرد انجمنی به تعریف اخلاق حرفه‌ای علم	نبود وفاق بر سر تعریف، مصداقی بودن تعاریف، محوریت پژوهش و آموزش علم در تعاریف، تداخل اخلاق حرفه‌ای علم با اخلاقیات اجتماعی
رویکرد انجمنی به فضای هنجاری علم	سیاست‌های تسهیل‌کننده ناراستی‌های علمی، سکوت سیاست‌گذار در برابر ناراستی‌های علمی، ماراتون سراسری علم‌سازی به جای علم‌ورزی، رهاشدگی اخلاق علم
رویکرد انجمنی به وضعیت کنونی انجمن‌های علمی	موقعیت نهادی انجمن‌های علمی در ایران، جایگاه ساختاری انجمن‌های علمی در ایران
رویکرد انجمنی به ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم	راه‌کارهای فرایندی: جامعه‌پذیری اولیه و ثانویه، اخلاق حرفه‌ای امتداد اخلاق فردی، پهلوان‌پروری به جای قهرمان‌پروری در اجتماع علمی، اهم‌های درونی به جای فشار بیرونی، مشارکت حرفه‌ای اثرگذار، استفاده از تجربیات سایر کشورها راه‌کارهای ساختاری: تغییر رویکرد نهادی نسبت به موقعیت و کارکرد انجمن‌های علمی، تقویت ماهیت حقوقی انجمن‌های علمی، استقلال نهاد علم و وجود انجمن‌های مستقل

۱. تعریف اخلاق حرفه‌ای علم از رویکرد انجمنی

در فرایند پژوهش مشخص شد اخلاق حرفه‌ای علم، عمدتاً در ارجاع به مصادیقی از ناراستی‌های رخ داده در آموزش و پژوهش علم تعریف می‌شود. رییس انجمن انرژی ایران با ذکر مصادیق در تعریف اخلاق حرفه‌ای می‌گوید:

همین عنوان «اخلاق حرفه‌ای» گویای آن هست. در واقع یک سلسله رفتار است؛ رفتارهایی که متخصصان در حوزه علم انجام می‌دهند. بیشتر بحث امانت‌داری، عدالت، صداقت [است] در هر حوزه‌ای اخلاق حرفه‌ای هست. ... حالا وقتی ما می‌خواهیم در مورد اخلاق حرفه‌ای علم صحبت کنیم باید همین‌ها را در رابطه با موضوعات مرتبط با علم بررسی کنیم ...

در تعریف اخلاق حرفه‌ای علم بر فراتر رفتن از کدهای اخلاقی در علم تأکید می‌شود. اجماع بر این است که صرف وجود کدهای اخلاقی نمی‌تواند ضمانت اجرایی لازم برای رعایت اخلاق حرفه‌ای ایجاد نماید و لازم است روح اخلاق حرفه‌ای به فرد حرفه‌ای آموزش داده شود و در یک فرایند درونی‌سازی بخشی از هویت حرفه‌ای او شود. چنان‌که در هر شرایطی که قرار می‌گیرد بتواند هنجار حرفه‌ای را از ناهنجار تشخیص داده و کنش خود را هنجارمند نماید. عضو هیأت مدیره انجمن مدیریت اطلاعات ایران، اخلاق حرفه‌ای را «رعایت اخلاق حرفه‌ای درونی شده» می‌داند و تأکید می‌کند که اخلاق حرفه‌ای صرفاً با وجود کدنامه‌های اخلاقی محقق نمی‌شود. رعایت اخلاق حرفه‌ای فرایندی از آموزش و درونی‌سازی و عمدتاً بر عهده نهاد علم است.

اخلاق حرفه‌ای در بردارنده نظام یا مجموعه‌ای سازگار از فرایندها و تعاملات و هنجارها و قواعد اخلاقی و رفتاری است، که در فرایندی دموکراتیک و رویکردی از پایین به بالا در جامعه‌ای از متخصصان شکل می‌گیرد. این‌که، فرایندی و نظامی سازگار است به این معنا است که برخی فکر می‌کنند اخلاق حرفه‌ای یک مجموعه‌ای از کدها است که ذیل آن کدها، یک کارهایی رو انجام می‌دهیم، خیر. این منظومه بسیار وسیع‌تر از آن کدها می‌باشد، آن کدهای اخلاقی تازه، همین امروز طرفداران بسیار کمی دارند، زیرا برخی مطرح می‌کنند که اخلاق حرفه‌ای یا اخلاق علم لزوماً نمی‌تواند منجر به کد بشود، باید به رهنمودهایی منجر شود، که در واقع دست پژوهشگر و یا دست یک متخصص را باز بگذارد که اخلاق حرفه‌ای و اخلاق علم رو بتواند درونی کند و به مقامی برسد که در مقابل مسائل خاص بتواند از خود اجتهاد به خرج بدهد ...

چهار ویژگی فرایندی بودن، دمکراتیک بودن، ماهیت پایین به بالا و گشودگی اخلاق حرفه‌ای در این برداشت دیده می‌شود که در ارائه تعریفی جامع از اخلاق حرفه‌ای علم سودمند خواهد بود. در مواردی نیز برخی بر این گمان هستند که اخلاق حرفه‌ای همان اخلاقیات اجتماعی و عرفی است که در حوزه علم نیز باید اجرا شود. از این نظر نهاد علم جدای از جامعه نیست و امتداد آن تلقی می‌شود. لذا اخلاقیاتی که در جامعه پسندیده و مورد تأکید است در عرصه علم نیز مصداق می‌یابند. عضو هیأت مدیره/انجمن ریاضی در این باره می‌گوید:

پیاده کردن اخلاق عرفی و آن چه که جامعه به عنوان اخلاقیات تلقی می‌کند، در عرصه علم، اخلاق علم و اخلاق حرفه‌ای محسوب می‌شود. نبود صداقت علمی، نبود شفافیت علمی، کارهای غیر حرفه‌ای از قبیل سرقت آثار دیگری، کپی برداری، فریب‌کاری، ... که در صورت لزوم مثال‌هایی می‌آورم که چه کارهای عجیبی در زمینه خلاف‌های علمی در ریاضیات در طول همین چند سال اخیر صورت گرفته است.

درهم‌تندگی و وابستگی متقابل هنجارهای علمی سبب می‌شود تا شکستن یک کد اخلاقی ابعاد مختلفی به خود بگیرد. بنابراین داشتن نگاهی دقیق از وضعیت هنجاری علم در ایران نیازمند در نظر گرفتن این رابطه و نیز بررسی همه جانبه و دقیق وضعیت هنجارگریزی در علم است. به گفته عضو هیأت مدیره/انجمن مدیریت اطلاعات ایران:

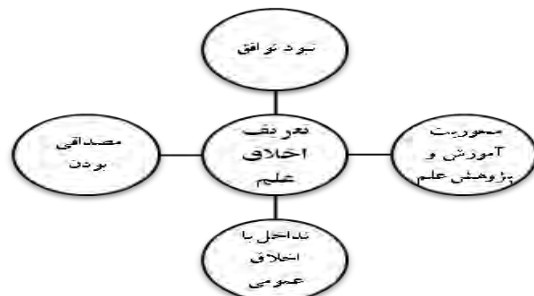
چون به لحاظ نظری بد اخلاقی‌های اخلاق علم یا اخلاق حرفه‌ای علی‌الظاهر از یک سطحی خود را بروز می‌دهند اما این‌ها با انواع دیگر بد اخلاقی‌ها بیگانه نیستند، بستگی دارد شما از چه رویکردی به آن نگاه کنید. به عنوان مثال انتحال یا همان سرقت علمی، علی‌الظاهر از دریچه سرقت علمی به آن می‌نگرید و مثلاً آن را به عنوان یک بد اخلاقی در این حیطه نگاه می‌کنید. اما در واقعیت در یک مناسبت بازتاب‌دهنده عدم مسئولیت‌پذیری است، در مناسبت دیگر، فقدان صداقت علمی است، در یک مناسبت دیگر زیان به سوژه مورد تحقیق است.

رعایت نکردن اخلاق حرفه‌ای علم اگرچه ریشه در جایگاه ساختاری علم در ایران دارد، اما در بیشتر موارد همچنان به یک مسأله فردی و تخطی از ارزش‌های انسانی فروکاسته می‌شود. موضوع قابل تأمل در عدم پابندی به اخلاق علم این است که افراد متخصص و حرفه‌ای در شرایطی دست به نقض هنجارهای اخلاقی علم می‌زنند که نه از سوی اجتماع علمی و نه از سوی جامعه از آن‌ها انتظار نمی‌رود. رئیس/انجمن شیمی درباره «فروش علم» می‌گوید:

کسانی که تخلف می‌کنند، افراد حرفه‌ای هستند و متأسفانه ما آنها را بدین جا کشانیم. اگر ما برای تحصیل کرده‌هایمان شغل مناسب ایجاد کنیم این اتفاق نمی‌افتد. باید از این افراد حرفه‌ای استفاده کرد. کسانی که واسطه هستند و این افراد تحصیل کرده بی‌گناه را اجیر می‌کنند، مقصر هستند. بحث فقدان مدیریت در این زمینه وجود دارد. متأسفانه نهاد علم رها شده است. من کسی را می‌شناسم که می‌گوید: من نان شب فرزندم را از این راه تهیه می‌کنم. اگر چه به نظر می‌رسد که تعریف اخلاق علم یا فهم بی‌اخلاقی‌های رخ داده در علم و فعالیت‌های علمی چندان دشوار نیست و به طور عادی قابل فهم است، اما در مجموع به نظر می‌رسد رویکرد تخصصی و حرفه‌ای نسبت به مسأله اخلاق حرفه‌ای علم وجود ندارد. رئیس انجمن انرژی ایران در این باره می‌گوید:

همه به موارد اخلاقی اشراف داریم و در انجمن‌ها به آن توجه می‌کنیم. و به این اشراف داریم که در بحث علم، کجاها بی‌اخلاقی صورت می‌گیرد، حالا چه موضوع مقاله باشد و چه پایان‌نامه و چه پروژه باشد و ... ما کاملاً می‌دانیم چه بی‌اخلاقی‌هایی در حوزه علم رخ می‌هد ولی فقط به صورت گفت‌وگوهای خودمانی است و در حد یک توصیه بین یک مجموعه‌ای که از روی احساس مسئولیت دور هم جمع شده‌اند مطرح می‌شود. ما به صورت حرفه‌ای و تخصصی به موضوع اخلاق علم توجه نکرده‌ایم.

در تعاریف ارائه شده چنان که ملاحظه می‌شود چند ویژگی به چشم می‌خورد: (۱) توافقی بر سر تعریف اخلاق حرفه‌ای علم وجود ندارد؛ (۲) در بیشتر موارد اخلاق حرفه‌ای علم با برشمردن مصادیق تعریف می‌شود؛ (۳) بیشتر تعاریف و برداشت‌ها بر پژوهش و آموزش علم متمرکز هستند و به سایر فرایندها و ابعاد فعالیت‌های علمی (نشر و کاربرد علم) کمتر توجه دارند. (۴) در برداشت‌ها و تعاریف ارائه شده بین اخلاق حرفه‌ای علم و اخلاقیات عرفی و اجتماعی رابطه برقرار می‌شود و ناراستی‌های آکادمیک امتداد ناراستی‌های رخ داده در اخلاق عمومی جامعه تلقی می‌شود. در مواردی نیز این دو با هم تداخل می‌یابند و اخلاق حرفه‌ای علم با اخلاق عمومی یکسان انگاشته می‌شوند (بنگرید به شکل ۱).



شکل ۱. دشواری تعریف اخلاق حرفه‌ای علم در ایران

در یک جمع‌بندی کلی چنین به نظر می‌رسد که بیشتر برداشت‌ها و تعاریف یاد شده پیش گفت را به رغم پراکندگی می‌توان در زمره «اخلاق هنجاری علم» تلقی کرد. چنان که رایج است اخلاق علم به پرسش‌ها و بحث‌های برآمده از بررسی‌های علمی، در شاخه‌های سنتی اخلاق (فرا- اخلاق^۱، اخلاق هنجاری^۲، اخلاق کاربردی^۳) پاسخ می‌دهد (رزنیک، ۲۰۰۸) و از این میان اخلاق هنجاری علم بر «اصول عام استانداردها، ارزش‌ها و یا چارچوب‌هایی که بایستی هدایت‌کننده رفتار علمی باشد، متمرکز است» (رزنیک، ۲۰۰۸: ۱۵۲).

۲. رویکرد انجمنی به فضای هنجاری علم

فضای هنجاری علم در ایران در گفتار کنشگران فعال در انجمن‌های علمی ایرانی با بیانی از مصادیق هنجارشکنی آغاز می‌شود و در پایان به ترسیم فضایی آلوده به ناراستی‌های علمی و آکادمیک می‌رسد. تصویری که از فضای هنجاری علم در ایران ارائه می‌شود فضایی رها شده و مملو از هنجارشکنی است که اراده‌ای برای بهبود آن وجود ندارد و اقدام شایسته‌ای نیز برای اصلاح صورت نمی‌گیرد. رویه یا تصویر یاد شده از فضای هنجاری علم در ایران خود را در قالب چند محور به هم مرتبط از جمله؛ وجود «سیاست‌های تسهیل‌کننده ناراستی‌های علمی»، «نبود سیاست پایش ناراستی‌های علمی»، «ماراتون سراسری علم‌سازی به جای علم‌ورزی»، و «رهاشدن اخلاق حرفه‌ای علم» صورت‌بندی می‌شود.

1 Meta-ethics
2 Normative-ethics
3 Applied-ethics

۱-۲. سیاست‌های تسهیل‌کننده ناراستی‌های علمی

پیامد ناخواسته برخی سیاست‌های وزارت علوم، رواج ناراستی‌های علمی در میان دانشگاهیان و پژوهشگران است. سیاست‌هایی که بی‌توجه به ضرورت‌های علمی هر رشته، استانداردهای یکسان و متمرکزی را نه برای توسعه بلکه برای رشد کمی علم و صرفاً در راستای تحقق آرمان‌های مندرج در اسناد موسوم به «بالادستی» دنبال می‌کنند. چنین رویه‌ای به کم توجهی یا بی‌توجهی به استانداردهای علمی رشته و نبود تضارب آراء و نقدهای سازنده درون گروه‌های علمی و در نتیجه افت کیفیت علم منجر می‌شود. رئیس انجمن ریاضی درباره تأثیر سیاست‌های وزارت علوم می‌گوید:

تقریباً بیست و چند سال پیش کار تقویت عرصه‌های پژوهشی تبلیغ و تشویق مقاله‌نویسی در ایران شروع شد و این سبب رشد ناموزون کمیت پژوهش در مقابل کیفیت گردید ... حتی ارزیابی مدیران پژوهشی هم مبتنی بر آمار است که همواره می‌تواند نادرست باشد. آیین نامه‌های وزارت علوم و دانشگاه‌ها در راستای ارتقا، ترفیع و ... همه بر کمیت تاکید دارند. تاکید بر *آی اس آی*^۱ بودن مقاله و نهایتاً ضریب تأثیر^۲ آن ... همه این‌ها و حتی همه آن معیارهایی که ظاهراً کیفی به نظر می‌رسند، معیارهای کیفی آماری هستند. ... مدیران ارشد تدبیری بیندیشند که آیین نامه‌های ارتقا و ترفیع و ... به گونه کیفی تنظیم شود.

این باور قوی وجود دارد که سیاست‌های غیرمنعطف، بالا به پایین و بدون توجه به ماهیت رشته‌های علمی و مشارکت دانشمندان و اعضای واقعی رشته‌ها و اجتماعات علمی نمی‌توانند صرفاً با تأکید بر رشد کمی و معیارگذاری رشد علمی بر مبنای شمارش فعالیت‌ها به عنوان سیاستی مداوم توسط وزارت علوم دنبال شود. رئیس انجمن زبان و ادبیات فارسی می‌گوید:

دانش در حال خرید و فروش است و این یعنی خروج از حوزه اخلاق و این صد در صد آسیب است، یعنی این‌که هرگاه حرف پول در پژوهش مطرح شود، آسیب و صدمه به اخلاق است. این نظام ارزشی تنها از جانب بازار مورد تهدید نیست. بازار دانش اهالی خود را می‌سازد -بازار پول می‌خواهد و دانشجوی بی‌اخلاق و بی‌حوصله مقاله‌ی آماده- و این چنین است که دانش داد و ستد می‌شود و این خروج از اخلاق است. این کارها اخلاق علمی را خدشه‌دار

1 International Scientific Indexing (ISI)

2 Impact factor

می‌کند... ما کاری نداریم مقاله از کجا، چگونه و با چه پولی تهیه شده است. اما همین که تعداد مقالاتمان بالا رود، خیلی خوب است. من پدیده *آی/اس آی* را غیر اخلاقی می‌دانم. این پدیده هرچند بعضی جاها کمک کرده است اما پیامدهای منفی داشته است. مثلاً در حوزه علوم انسانی خرابی‌هایی به وجود آورده است. بنده به عنوان استاد ادبیات فارسی معتقدم در ایران که مرکز ادبیات فارسی است، مشکلی که در حوزه ادبیات فارسی وجود دارد این است که، مقالات را به کشورهای دیگر که هیچ صلاحیتی ندارند می‌دهیم و مقالات مربوط به ایران و حافظ و سعدی و... را برای داوری به کسی می‌دهیم که با این موضوع هیچ سنخیتی ندارد و هیچ شناختی از حافظ و سعدی و... ندارد. آن‌ها تنها پول برایشان مهم است، نه چیز دیگر. ... این چنین مسائل را مسئولان خودمان در وزارت علوم داغ می‌کنند. مثلاً می‌گویند استادیار ادبیات باید مقاله *آی/اس آی* بدهد تا دانشیار شود. و این نظام خودمان همه چیز را خراب می‌کند و آب در آسیاب بی‌اخلاقی می‌ریزد. این‌ها نمونه‌هایی است که مانند آن زیاد است. البته که در رشته‌های فیزیک و شیمی می‌شود با دنیا رقابت کرد، ولی در رشته ادبیات این‌گونه نیست. باید اینجا پایگاه علمی باشد. به عبارتی رفتارهای متناقض در عملکرد وزارت علوم دیده می‌شود؛ یعنی از یک طرف گفته می‌شود می‌خواهیم زبان فارسی را زبان علم کنیم و از طرف دیگر این‌گونه نیست. نعل وارونه می‌زنیم و کاری که انجام می‌شود برعکس آن است. کار ما عکس هدف ماست.

پیامد اتخاذ سیاست‌های واحد، متمرکز و کمی‌گرای وزارت علوم برای رشته‌های مختلف علمی، کالایی‌شدن علم در قالب خرید و فروش آن و رواج رویه‌های ضد علم مانند دورزدن، گریز از نظارت و ارزیابی دقیق علمی برای برخی و مغبون شدن و محرومیت برخی دیگر است. عضو هیات مدیره/نجمین ریاضی درباره معیارهای ناهمسو با رشته در ارزیابی علمی می‌گوید:

نه تنها نظارت کافی بلکه معیارهای ارزیابی خود دانشگاه یا رشته‌های مختلف که مربوط به خود آن حوزه است مغفول می‌ماند و مجبورند معیارهای متمرکزی را که در بعضی از رشته‌ها، اصلاً سنخیتی ندارد رعایت کنند وقتی من ریاضی‌دان با یک شیمیست از بابت ارائه مقاله یکسان مورد بررسی قرار می‌گیریم، مشکل پیش می‌آید. آن‌ها در هر هفته پنج مقاله ارائه می‌کنند اما من اگر در طول دو سال یک مقاله تولید بکنم، هنر کرده‌ام، حال آیین نامه مشترک چه طور می‌تواند ما را با هم مقایسه کند؟

علاوه بر این، چند ویژگی بارز از جمله؛ بی‌توجهی سیاست‌گذار به محتوا و ماهیت رشته‌ها، بی‌توجهی سیاست‌گذار به فرهنگ رشته‌ها، عدم مشارکت دادن اعضای واقعی رشته در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مربوط به رشته‌ها، تمرکزگرایی شدید، سوگیری رشته‌ای در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری‌ها را می‌توان نام برد. حاصل این سیاست‌های صوری و فرمالیسم برآمده از آن حتی منجر به شکل‌گیری اجتماعات علمی صوری بدون توجه به «فضای هنجاری و نمادین» (قانونی‌راد، ۱۳۸۵ الف) و «تولید» پژوهش‌های سفارشی نهادها و سازمان‌های دولتی بدون توجه به پیوند میان علم و جامعه حاصل همین (بنگرید به میرزایی و قاراخانی، ۱۳۹۳ ب) نیز تأثیر گذاشته است. مفهوم «تولید علم» معرف سیطره و حاکمیت چنین سیاستی است.

در کنار امتناع، انقطاع و عدم تناسب در سیاست‌گذاری و ضعف یا نبود ضمانت‌های اجرایی کافی برای سیاست‌های موجود، نبود مشارکت حرفه‌ای‌ها در سیاست‌گذاری‌های علم اخلاق مدار به وضعیت بی‌هنجاری علمی دامن زده است. به باور برخی از رؤسای انجمن‌های علمی سیاست‌های ارزیابی و ارزش‌گذاری علمی در وزارت علوم برآمده از فضای علمی نیست، بلکه به دست کسانی که نسبت چندانی با علم ندارند و به تلاش‌های علمی اصیل دست نزده‌اند، صورت می‌گیرد و البته حضور آن‌ها در مسندهای اجرایی و سیاست‌گذاری خود مانعی برای توجه جدی به ناراستی‌های علمی است. عضو هیأت مدیره/انجمن ریاضی در این باره می‌گوید: «متأسفانه این افرادی که کارهای علمی نازلی انجام داده‌اند در نهادهای وزارتی و اجرایی در حال حاضر مؤثر هستند در آن جا به عنوان ترمزی برای مقابله با این پدیده شده‌اند و الان موضوع بسیار پیچیده است». برخی مصاحبه‌شوندگان به سوء رفتارهای دیگری مانند بروز رفتار متقلبانانه در برخی انجمن‌های علمی که در امتداد همین بی‌اخلاقی در فضای علمی است نیز اشاره کرده‌اند. مانند «زد و بندهای غیر حرفه‌ای در انتخابات در تشکیل هیأت مدیره از سوی برخی انجمن‌های علمی» که با ماهیت وجودی انجمن‌های علمی که باید نقش ترویج‌کننده اخلاق حرفه‌ای را برعهده داشته باشند در تضاد است.

۲-۲. نبود سیاست پایش ناراستی‌های علمی

برخی از انجمن‌ها به سکوت قانون و یا نبود ضمانت اجرایی برای مقابله با بی‌اخلاقی‌های علمی اذعان داشتند. شواهد نشان می‌دهد با وجود کمیته‌های اخلاق علم در تعداد اندکی از انجمن‌های علمی ایرانی، عملاً مجازات متقلبان و متخلفان غیرممکن به نظر می‌رسد و حتی در مواردی اشاره شده است که هزینه‌ها و دردهایی برای انجمن‌های علمی و اعضای‌شان در پی دارد. در این شرایط انجمن‌های علمی یا موضوع را پیگیری نکرده و سکوت می‌کنند و یا به توصیه‌های موقتی و شفاهی بسنده می‌کنند. این شیوه برخورد به دلیل آن است که مجرای قانونی و ضمانت اجرایی لازم برای پیگیری شکایات و مجازات هنجارگریزان و هنجارشکنان علم وجود ندارد.

تجربه و روایت انجمن ریاضی در این باره می‌تواند گواهی بر این موضوع باشد:

انجمن ریاضی در این زمینه شاید فعال‌ترین انجمن علمی کشور باشد از سال‌های پیش و از زمانی که داستان آی اس آی و ضریب تأثیر نشریات علمی و ... مطرح شد انجمن در خبرنامه خود فرهنگ‌سازی را شروع کرد. ... و کمیته‌ای هم به اسم کمیته اخلاق علمی راه اندازی شده است ولی ما در این خصوص با دوستان و همکاران صحبت کردیم و مشاهده کردیم که نمی‌توانیم کار اجرایی انجام دهیم. ... به دلیل [عواقب و محدودیت‌های] حقوقی که وجود دارد، نمی‌توانیم به عنوان یک انجمن علمی، بدون پشتوانه قانونی اقدام بکنیم. ما عملاً نتوانستیم اقدام موثری انجام دهیم مگر این که به شکل دوستانه به فرد خاطی تذکر بدهیم یا به دانشگاه مربوطه‌اش توصیه بکنیم ...

سایر انجمن‌های مورد مطالعه نیز، با چنین مشکلات و محدودیت‌هایی مواجه بودند. از رویکرد انجمنی آنها مایلند و می‌خواهند اقداماتی در مقابله با ناراستی‌های علمی انجام دهند اما نمی‌توانند. از این رو اندک فعالیت‌های موجود، حتی در درون خود انجمن‌ها، نیز به صورت تلاش‌های فردی در مقابله با ناراستی‌ها پیش می‌رود. هرچند این باور وجود دارد که انجمن‌ها نقش برجسته‌ای در مقابله و مجازات ناراستی‌های حرفه‌ای علم دارند اما این تلاش‌ها در ایران عمدتاً انفرادی و مقطعی و موقتی است و نهادینه نشده است. در مواردی آن‌چه تعیین‌کننده است موقعیت و جایگاه فرد متخلف در فضای علمی است. در اینجا نیز امکان مقابله با ناراستی‌های علمی گسترده متخلفان یقه سفید کم است و تخلفات جزئی و موردی دانشجویان و برخی اساتید برجسته می‌شود. از این رو به رغم نقش مؤثر انجمن‌های علمی در کشورهای توسعه

یافته در ایران تقریباً انجمن‌ها نقش مؤثر چندانی در این زمینه ندارند. سوای این که نظارت‌های قانونی و ضمانت اجرایی کافی وجود ندارد، معیارهای ارزیابی نیز سختی با رشته‌های علمی ندارد و چنان که پیش‌تر نیاز عنوان شد وزارت علوم از مکانیسم‌های نظارتی یکسانی برای «تولید» علم، ارزیابی و ارزش‌گذاری استفاده می‌نماید. در صورتی که تعیین معیارهای ارزیابی پژوهش متناسب با رشته‌های دانشگاهی که یکی از مؤلفه‌های تبلور استقلال دانشگاه‌ها خواهد بود و می‌تواند مانعی برای جلوگیری از بروز و رواج ناراستی‌های علمی باشد. به گفته عضو هیأت مدیره انجمن ریاضی ایران: دانشگاه‌ها باید در عرصه‌های پژوهشی استقلال داشته باشند و استقلال دانشگاه‌ها رقابت سالم ایجاد می‌کند. وقتی نهادی مثل وزارت علوم نسخه واحدی برای همه می‌پیچد، این نسخه واحد و جمعی سبب فساد می‌شود ... آن‌چه فرایند بی‌اخلاقی را تسهیل کرده و به آن دامن می‌زند، وجود رویه‌هایی خارج از معیارها و استانداردهای شناخته شده علمی در وزارت علوم و دانشگاه‌ها است که همواره در سطوح مختلف اجرایی و سازمانی تکرار می‌شود. عضو هیأت مدیره انجمن ریاضی ایران می‌گوید:

مواردی بوده که شاید خارج از چارچوب‌های خود دانشکده‌ها [افرادی] وارد دانشگاه‌ها شده‌اند. مثلاً رئیس دانشگاه از اختیارات خودش استفاده کرده و عضوی را وارد دانشکده کرده که استانداردهای علمی لازم را نداشته است و نظارت اجتماع علمی بر آن صورت نگرفته است و گرفتاری‌هایی برای دانشگاه‌ها در عرصه‌های علمی به وجود آورده است ...

برخی مصادیق این سیاست‌ها و تصمیمات سلیقه‌ای جذب اعضای هیات علمی با بنیه علمی ضعیف و یا بدون صلاحیت علمی، جذب بی‌حساب دانشجو (به ویژه دانشجویان سفارشی در مقاطع تحصیلات تکمیلی و به طور مشخص دکتری)، همچنین ارزیابی اعضای هیأت علمی پژوهشی بر اساس آیین‌نامه‌ها و معیارهای هیأت علمی آموزشی و تبدیل اعضای هیأت علمی آموزشی رکود خورده به عضو هیأت علمی پژوهشی از جمله نشانه‌های نقص و نابسندگی معیارها و استانداردهای وزارت علوم است. جلوه دیگر استیصال در سیاست‌گذاری را می‌توان در سیاست‌هایی که تأثیر ناخواسته منفی بر فضای آموزشی دانشگاه‌ها دارند، مشاهده کرد. تأکید بر فعالیت‌های پژوهشی عضو هیأت علمی آموزشی و ارزیابی اساتید بخش آموزش بر اساس معیارهای پژوهشی است که فضای آموزش را دچار رکود کرده و اساتید به جای تمرکز بر فعالیت و خلاقیت آموزشی، مجبورند به فکر «تولید مقاله» باشند. جدای از سیاست‌های

نامتناسب و نادرست در ارزیابی و ارزشیابی توسعه علم در ایران که پیامد آن توسعه ناراستی‌های علمی بوده است، به بی‌توجهی نهادهای سیاست‌گذار به موضوع اخلاق علم نیز اشاره شده است، موضوعی که در واقع مکمل سیاست‌های نادرست است. وجود عوامل تکمیل‌کننده دیگری، به تقویت این فضای ناراست کمک می‌کند. به گفته رئیس انجمن زبان و ادبیات فارسی: ... در کشور ما خیلی راحت یک نفر می‌آید و کل قانون را به هم می‌ریزد. مثلاً دانشگاه تهران با آن بزرگی و عظمتش، تمام نظم دانشگاهیش را یک نفر به راحتی به هم می‌ریزد. در صورتی که در دانشگاه‌های مطرح دنیا هیچ‌کس نمی‌تواند در نظم آن یک سروسوزن تغییر ایجاد کند. بلکه یک روحی در آنجا وجود دارد که هرکسی که می‌آید باید خود را با آن منطبق کند. سنت‌های علمی که شکل گرفته را نباید تخریب کرد بلکه اگر قرار است تغییری ایجاد شود باید به آن اضافه شود. در کشور ما هنجارها را خودمان تخریب می‌کنیم.

مداخله «عوامل فراعلمی» (قانع‌راد، ۱۳۸۵: ۵۲) ساختار علم را مبدل به عرصه‌ای برای بازنمایی «حلقه‌های قدرت» و نهادهای علمی را نیز مبدل به «مکان‌های فرصت» می‌کند (قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶) و نهادهای فضای علمی را به عرصه رقابت‌های سیاسی و ایدئولوژیک آنها در می‌آورد.

۲-۳. ماراتون سراسری علم‌سازی به جای علم‌ورزی

رویکرد کمی‌گرایانه ارزیابی علمی در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، سبب شده تا هم اعضای هیات علمی در یک رقابت درون دانشگاهی و میان دانشگاهی خود را در یک ماراتون مداوم رشد کمی و ترفیع فرض نمایند. ماراتونی که با اولویت آمار کمی، بدون وجود زیرساخت‌ها، منابع لازم و کافی و نیز ضعف یا نبود سازوکار نظارت علمی سبب رشد علم بی‌کیفیت و ناتوانی نظام دانشگاهی در تربیت اخلاقی و حرفه‌ای اعضا شده است. به دلیل همین نبود سازوکار نظارتی حرفه‌ای، مسابقه‌دهندگان رقیب هم در سطح فردی و هم سازمانی (دانشکده‌ای، دانشگاهی) گاه دست به هرگونه هنجارگریزی فردی و دسته‌جمعی (آمارسازی و بزرگنمایی) می‌زنند تا برنده این مسابقه سراسری بی‌حاصل باشند. در این فضا اعطای جایزه، معرفی به عنوان پژوهشگران نمونه، پرداخت گرنت به پژوهشگران و تولیدکنندگان علم صوری همه در جهت رشد کمی و علم‌سازی (مقاله‌سازی و کتاب‌سازی و ...) تعریف شده است. به گفته رئیس انجمن احتراق:

بحث اصلی‌ای که در دانشگاه‌ها مطرح است تأکید بیش از اندازه بر مقاله‌نویسی است. در کشورهای پیشرفته هم مقاله زیاد می‌نویسند اما به هیچ وجه هدف مقاله نوشتن نیست بلکه یک کار خوب انجام می‌دهند و برای این که به گوش دیگران هم برسد به صورت مقاله چاپ می‌کنند. ... در کشور ما متأسفانه در اکثر دانشگاه‌ها به خصوص دانشگاه‌های مطرح و برتر مقاله‌نویسی یک رکن اصلی است. مثلاً یک ادعایی هست که ما در بحث دانشگاهی رتبه شانزده هستیم. ... آخر مقاله چه کمکی به مملکت می‌کند؟

سیاست تمرکز و تأکید بر تولید علم به عنوان هدف اصلی اکنون خود به مانعی در تحقق اهداف اصلی علم مبدل شده است و یک ماراتون سراسری در گریز از هنجارها و معیارهای علمی را رقم زده است. پیامد دیگر این ماراتون سراسری این است که فرایند برترنمایی صوری این شیوه تولید علم به حذف کنشگران علمی اصیل و وفادار به استانداردها و رویه‌های حرفه‌ای علم منجر می‌شود. چرا که ساختار کنونی علم یعنی نظام قواعد و توزیع منابع علم به جای کیفیت و محتوای آثار علمی کمیت و صورت آنها را واحد تحلیل قرار می‌دهد. این وضعیت شکلی از هنجارگریزی و هنجارشکنی سیستماتیک را در سراسر ساختار نهاد علم دامن زده است و حل مسأله را دشوار ساخته است (بنگرید به قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶). عضو هیأت مدیره انجمن ریاضی ایران می‌گوید:

افرادی که قبلاً جذب شده‌اند بعدها مشکل ترفیع و حتی تمدید قرارداد پیدا کرده‌اند ولی هیأت رئیسه دانشگاه مایل است که این‌ها مقاله داشته باشند و یک مسابقه درون دانشگاهی و بین دانشگاهی در سطح بین‌المللی و در سطح کشوری شکل گرفته که دانشگاه‌ها تمایل دارند رتبه خود را بالا ببرند. معیارهایی از قبیل تعداد مقالات و مقالات آ‌ی اس‌آی و غیره وجود دارد. به این جهت دانشگاه‌ها به اعضای هیأت علمی فشار می‌آورند که مقاله تولید کنند و چندان هم برایشان اهمیت ندارد که مقالات اصیل باشند، فقط در مجلات بین‌المللی ثبت شود کافی است. دانشگاه دیگر نمی‌تواند در سطح کلان به کیفیت آثار بپردازد. و این سبب می‌شود که به افرادی که در زمینه‌های اصیل کار می‌کنند آسیب‌های جدی وارد شود.

این وضعیت سبب شده است تا نهاد علم در ایران در میانه دو تهدید دو سویه قرارگیرد. از یک سو تهدید سیاست‌گذاری‌های ناهمسو و از سوی دیگر سیطره یافتن منطق صوری بازار. در سویه سیاست‌گذاری، سیاست‌های متناقض و غیرکارشناسانه بدون در نظر گرفتن منطق و

محتوای علم، تنوع رشته‌ای، و مشارکت اهل علم، تدوین و اعمال می‌شود و از سوی دیگر بازار که خود هم برخاسته از روحیه منفعت‌گرایی و البته پیامدهای ناخواسته و گاه عامدانه سیاست‌گذاری‌های علمی است سبب شده تا علم در کشاکش میان این دو، محل رواج انواع ناراستی‌ها شود. به طور مثال درخواست از دانشجویان تحصیلات تکمیلی برای چاپ مقاله پیش از دفاع به عنوان مجوزی برای دفاع و کسب نمره بالاتر است. همین سیاست سبب نگاه ابزاری به دانشجو شده و از او به عنوان منبعی برای انتشار مقاله و کسب ارتقا و به دست آوردن مزایای مادی استفاده می‌شود. این سیاست البته تنها یکی از سیاست‌های ضد علم و اخلاق حرفه‌ای علم است. به گفته رئیس انجمن ادبیات فارسی:

مثلاً این که دانشجوی دکترا باید دو مقاله بدهد تا بتواند از رساله‌اش دفاع کند. این پیامدهای بدی دارد و فساد انگیز است. این که دانشجو مقاله نویسی شود بسیار خوب است اما نه به هر قیمتی. یکی از پیامدهای این مسئله این است که استاد، دانشجو را مجبور می‌کند تا یک سال و دو سال دفاع را عقب بیندازد تا دانشجو به هر قیمتی مقاله *آی/اس آی* را بنویسد تا به وسیله آن استاد مربوطه، استاد شود و ترقی یابد. ما علم را برای علم نمی‌خواهیم و این‌ها مسائل درونی نظام دانشگاهی ما است. باید در رزومه استادان بررسی کرد تا مشخص شود چه تعداد مقاله تکی و چه تعداد از مقالات‌شان را با دانشجویان نوشته‌اند. بعضی از اساتید اصلاً مقاله‌ای که تنها نوشته باشند ندارند. استادان تنها به واسطه مقالاتی که دانشجویان‌شان می‌نویسند و گاهی خودشان نیز هیچ نقشی ندارند ارتقا می‌گیرند. مورد بعدی این است که مقالات اساتید همگرایی با هم ندارد. در کارنامه استاد، سی عنوان مقاله موجود است اما با سی موضوع متفاوت. وقتی یک فرد یک تخصص دارد و در آن حوزه کار می‌کند، اصلاً حق ندارد وارد حوزه‌های دیگر شود. یک استاد وقتی یک رساله را قبول می‌کند، در آن هم پول است هم مقاله می‌شود و هم از رقبا جلو می‌افتد. این‌ها فساد انگیز است. در واقع به این صورت نیست که دست دانشجو باز باشد و خودش انتخاب کند. بلکه استاد دانشجو را مجبور می‌کند.

از رویکرد انجمن‌های علمی سکوت سیاست‌گذار، سیاست‌های نادرست، ناکارآمد، ناهماهنگ، متناقض، سلیقه‌ای و مغایر با منطق علم و برآمده از سیطره نگاه تک بعدی و کمی‌گرا بر فرایند سیاست‌گذاری از یک‌سو و تعدد مراکز تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری برای علم به همراه بی‌توجهی سیاست‌گذار به تبعات و پیامدهای سیاست‌هایش و نبود نظام پایش سیاست از

سوی دیگر منجر به رهاشدن موضوع محوری اخلاق حرفه‌ای علم در فضای علمی ایران شده است. به گونه‌ای که عملاً در سیاست‌گذاری علم، اخلاق حرفه‌ای علم دیده نشده است.

۲-۴. رهاشدگی اخلاق حرفه‌ای علم

یکی از ویژگی‌های فضای علمی در ایران، این است که متخصصان و حرفه‌ای‌های علم، اخلاق حرفه‌ای علم را پایه و اساسی برای فعالیت‌های علمی بدانند و نه موضوعی تزئینی و حاشیه‌ای. این نگرش سبب می‌شود که موضوع اخلاق علم برای علم‌ورزی و کاربست علم در ارتباط با جامعه و خود اجتماع علمی محل اعتنا باشد. به نظر می‌رسد در فضای کنونی، اخلاق علم بخشی از فرایند تولید، ترویج، کاربست و اساساً توسعه علم تلقی نمی‌شود. عضو انجمن مدیریت اطلاعات ایران در این زمینه می‌گوید:

متخصصانی که در انجمن‌های علمی مشارکت می‌کنند، درک درستی از اخلاق حرفه‌ای و اخلاق علمی ندارند. این را به این جهت تاکید می‌کنم که آن‌ها اخلاق حرفه‌ای یا اخلاق علمی را به عنوان یک زینت المجالس علم و حرفه تعریف می‌کنند. اخلاق حرفه‌ای به طور عام و اخلاق علمی به طور خاص، بخشی از پروسه توسعه علم می‌باشد، منفک نیست؛ این طور نیست که این مقاله نوشته به شه و یک مقدار کد اخلاقی در آن نوشته شود تا قشنگ شود، خیر. آن کدها باید توسط دانشمند درونی شود و بعد شروع به نوشتن یک مقاله کند.

در به وجود آمدن چنین وضعیتی به عواملی از جمله، قانون‌گریزی، دوری از آموزه‌های عرفی و سنتی تضمین‌کننده اخلاق، ناهماهنگی ساختاری در اجرای قوانین و هنجارهای علمی و فقدان شایسته‌سالاری اشاره می‌شود. بنابراین، توجه به مسئله اخلاق حرفه‌ای تنها در سطح انجمن‌های علمی کفایت نمی‌کند و این موضوع باید به عنوان مسئله‌ای ملی دنبال شود. به گفته رئیس انجمن حمل و نقل ریلی:

ما ساختارمان هنوز ایراد دارد. در ساختارسازی‌ها باید اصل داستان را ببینیم. فرد با چه توانمندی و مهارت و دانشی وارد این عرصه شده است. از همین جایی که ما انتخابات‌مان، انتخابات غیر واقعی بر اساس اعلام یک ارتباط است، خب این اتفاقات هم طبیعی است. ما عالی‌ترین کسی که در یک سازمان مهارت دارد را رئیس نمی‌گذاریم. چگونه انتظار داریم که

اخلاق حرفه‌ای ایجاد شود؟ چرا انتظار داریم بهره‌وری سازمان به حداکثر برسد؟ این‌ها چیزی است که در رابطه با اخلاق حرفه‌ای در بالاترین جایگاه‌های کشور باید ببینیم.

در اینجا به فرایندهای اخلاق حرفه‌ای علم و همین‌طور ساختارهای پشتیبان آن به درستی اشاره می‌شود. در چارچوب نقص ساختاری به نبود شایسته‌سالاری در به کارگیری نیروهای ماهر و کاردان در موقعیت‌های ساختاری سازمان و سپردن نقش‌های علمی و مدیریت علم به عنوان یکی دیگر از نشانه‌های مغایرت با اخلاق حرفه‌ای علم اشاره شده است. این کاستی را می‌توان در خود انجمن‌های علمی و با مطالعه اساسنامه‌های انجمن‌های علمی آنها نیز دریافت. بررسی فعالیت‌های مندرج در کاربرگ ارزیابی عملکرد سالانه کمیسیون انجمن‌های علمی ایران (۱۳۹۵) نشان از بی‌توجهی به اخلاق حرفه‌ای علم به عنوان یکی از فعالیت‌های اصلی انجمن‌ها در فرم ارزیابی ارسال شده از سوی کمیسیون یاد شده دارد.

در مجموع از رویکرد انجمنی بین سیاست‌گذاری علم در ایران و رهاشدگی اخلاق علم رابطه است. این بدان معنی است که سیاست‌گذاری‌های صوری و کمی علم در ایران در ماهیت خود مولد فضای هنجاری ناراستی‌های علمی است. به ویژه این که بسیاری از این سیاست‌گذاری‌ها یا بر مبنای فرایند اخلاق حرفه‌ای علم تدوین نشده‌اند یا این که نبود نظام پایش اخلاق حرفه‌ای علم منجر به شکل‌گیری گونه‌ای بی‌توجهی، حاشیه‌ای شدن و رهاشدگی اخلاق حرفه‌ای علم شده است (بنگرید به شکل ۲).



شکل ۲. سیاست علم بدون اخلاق علم

آن چه که رهاشدگی اخلاق حرفه‌ای علم عنوان کردیم با رهاشدگی انجمن‌های علمی در ابعاد مختلف مرتبط است و خود را در موارد زیر نشان می‌دهد: (۱) در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها هم در حوزه مرتبط با رشته علمی و سیاست‌های وزارت علوم درباره رشته و

هم سیاست‌گذاری‌های عمومی که به نحوی به رشته تخصصی مربوط است، ۲) در نقش نظارتی و پایش سیاست‌های علمی مرتبط با رشته و نیز سیاست‌های عمومی مرتبط با تخصص انجمن علمی، ۳) در نبود حمایت اجتماعی و برقراری مصونیت‌های حقوقی و سیاسی برای انجمن‌های علمی و حتی ۴) در محاسبه و تخصیص اعتبار از سوی وزارت علوم.

۳. رویکرد انجمنی به وضعیت کنونی انجمن‌های علمی

۱.۳. موقعیت نهادی انجمن‌های علمی

چنان که پیش‌تر عنوان شد انجمن‌های علمی هم محصول ارتباطات و اجتماعات علمی و هم زمینه‌ساز شکل‌گیری، گسترش و تقویت ارتباطات و اجتماعات علمی هستند. ارتباطات علمی زمینه شکل‌گیری اخلاق حرفه‌ای را فراهم می‌نماید و انجمن‌ها که مکان تحقق این ارتباطات هستند زمینه شکل‌گیری منظومه اخلاقی حرفه را فراهم می‌نمایند. سپس این اخلاق از جامعه متخصصان به جامعه در مفهوم کلان آن تسری می‌یابد. عضو هیأت مدیره انجمن مدیریت *اطلاعات/ایران* درباره نقش انجمن‌های علمی در شکل‌گیری اجتماع علمی می‌گوید:

اجتماع علمی سه رکن اساسی را در دل خود دارد: انجمن‌های علمی، ارتباطات علمی و هنجارهای رفتاری و اخلاقی در علم. اجتماع علمی یک مفهومی است انتزاعی. ولی این ارکان، ارکانی است که فیزیکی است و عینیت پیدا می‌کند. انجمن‌های علمی یا حرفه‌ای به عنوان مهم‌ترین رکن شکل‌گیری اجتماع علمی تعریف می‌شوند. و نقش بسیار مهمی هم در شکل‌گیری ارتباطات علمی و هم در ارائه و تعریف هنجارهای اخلاقی و رفتاری در جامعه حرفه‌ای دارند. اخلاق حرفه‌ای برآمده از اجتماع متخصصان به دو شیوه به جامعه قابل تسری است که به اخلامندی حرفه‌ای‌ها در تعاملات حرفه‌ای‌شان با یکدیگر و همچنین تعامل حرفه‌ای‌ها با مشتریان (مشتریان، سیاست‌گذاران و مردم عادی) مربوط می‌شود (بنگرید به قانع‌راد، ۱۳۹۵: ۲۱۱-۲۳۰). در اینجا تعهد متخصص یا حرفه‌ای در پایبندی به وظایف حرفه‌ای در چارچوب یک نظم اخلاقی و هنجاری به نفع جامعه است. عضو هیأت مدیره *انجمن مدیریت اطلاعات/ایران* درباره ساختاری که اخلاق حرفه‌ای در آن شکل گرفته است می‌نویسد:

فرآیندها، تعاملات، هنجارها و قواعد اخلاقی و رفتاری در این ساختار تجلی پیدا می‌کند. چنین نظامی از اخلاق حرفه‌ای، با توجه به نوع حرفه مورد نظر در عمده حوزه‌های مطالعاتی

منابع موجود، معمولاً در تعاملات [و روابط] این چهار گروه شکل پیدا می‌کند: که کارفرما-کارگر؛ متخصص-متخصص؛ مشتری-متخصص و جامعه-متخصص هست. که عموماً گفته می‌شود اخلاق حرفه‌ای در تعامل این چهار گروه به صورت متقابل شکل می‌گیرد و قرار است که روابط این چهار گروه را تسهیل کند و تعامل ببخشد.

در انتقال هنجارهای اخلاقی در میان حرفه‌ای‌ها نقش انجمن‌های میان رشته‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به این دلیل که اجتماع علمی در این انجمن‌ها تنها به یک رشته تخصصی محدود نیست و می‌توان انتقال هنجارهای علمی و ضمانت اجرای آن را در شبکه‌ای از تعاملات میان رشته‌ای تسری داد. ضمن این‌که، انجمن‌های علمی با استفاده از فضای مجازی و تکنولوژی‌های ارتباطی موجود یا توسعه شاخه‌ها و دفاتر منطقه‌ای و استانی خود می‌توانند نقش فعال‌تر و اثرگذارتری در این زمینه داشته باشند. شیوه دیگر، تسری اخلاق حرفه‌ای از سوی اجتماع علمی و متخصصان، در نقشی است که آنان به عنوان گروه‌های مرجع و الگوهای کنش اخلاقی در جامعه دارند. در اینجا روح اخلاق علمی است که از سوی اجتماعات علمی به جامعه سرایت می‌یابد و انجمن‌های علمی با استفاده از ابزارهای خود می‌توانند محملی برای برجسته‌سازی کنش هنجارمند حرفه‌ای و عمومی‌سازی اخلاق علم به جامعه باشند. شاهد مثال نقشی که انجمن‌ها به عنوان مرجعیت علم و مرجعیت اخلاق دارند. رئیس انجمن احتراق ایران می‌گوید:

به این دلیل که انجمن‌ها، نهادهای مدنی و مردمی هستند و همان‌طور که می‌دانید نه دولتی و نه خصوصی هستند و نه محل درآمد، و کسانی که به آن وارد می‌شوند قطعاً روحیه اخلاقی و فرهنگی دارند. حالا چه انجمن فنی باشد، انسانی باشد و یا علوم پایه. به همین دلیل بهتر می‌توانند در زمینه اخلاق نقش بازی کنند.

این موضوع نشان می‌دهد، انجمن‌های علمی صرف‌نظر از نقشی که برای ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم به هنگام انجام فعالیت‌های حرفه‌ای‌شان دارند، می‌توانند در زمینه گسترش کنش آگاهانه و هنجارمند در ابعاد مختلف زندگی نیز دارای کارکرد باشند. از نظر برخی رؤسای انجمن‌های علمی، ارتباط با مردم نیز خود یک کنش اخلاقی است. انجمن علمی اخلاق‌مدار، انجمنی است که با مردم در ارتباط و در پی منافع عام باشد. اساساً مردمی‌کردن دانش یک مولفه اخلاقی است که انجمن‌ها صرف‌نظر از نوع رشته می‌توانند دنبال نمایند. در بیان مردمی‌کردن

دانش به مثابه یک کنش اخلاقمند از سوی انجمن‌های علمی، شاید تجربه انجمن انرژی ایران بتواند الگویی برای سایر انجمن‌های علمی باشد:

در قسمت مربوط به جامعه، بعضی از مجموعه‌ها برای کودکان کتاب می‌نویسند و یا روش‌هایی را ابداع می‌کنند که کودکان از آن طریق با کارها و موضوعات آنان آشنا شوند. به عنوان مثال یک روزی به نام روز جهانی باد هست که هر ساله در روز ۱۵ ژوئن در تمام جهان جشنی برگزار می‌کنند و اکثر کارهایی که انجام می‌شود مربوط به کودکان است. کشورهای پیشرو در این روز یک سری مراسم برگزار می‌کنند و سمبل‌های توربین‌های بادی را می‌سازند و برای کودکان شرایط شادی‌آوری فراهم می‌آورند که از این طریق با بحث باد آشنا شوند. کشور ما حدود دوسه سال است که در این زمینه ورود پیدا کرده است و انجمن انرژی ایران به عنوان پیشرو و پیش‌قراول این کار شده و با مرکز آن در بلژیک ارتباط برقرار کردیم و اجازه گرفتیم که ما هم جزء لیست برگزارکنندگان این مراسم شویم و آنها نیز پذیرفتند و برای ما هر سال پیامی می‌فرستند و حتی در سایت خودشان نیز اعلام می‌کنند. و از این طرف ما به همه‌ی شاخه‌های استانی انجمن‌مان ابلاغ کردیم که این مراسم را در استان خود برگزار کنند و همچنین در این روز با مجموعه‌هایی مثل محک^۱ همکاری می‌کنیم و این امکان را فراهم می‌آوریم که مجموعه محک از این راه کسب درآمدی برای کودکان سرطانی داشته باشد. به نظر من همین می‌شود اخلاق حرفه‌ای و کاری است که کسی از آن نمی‌تواند ایرادی بگیرد و کاری است که فرهنگ ایجاد می‌کند.

البته برخی از انجمن‌های علمی در برقراری این ارتباط، با دشواری‌هایی روبرو هستند که دلایل آن همگی به جایگاه انجمن مربوط نیست. بلکه استقبال از فعالیت‌های انجمن هم از سوی نهادهای سیاست‌گذار و هم مردم سبب می‌شود تا تمایل به ایفای نقش انجمن در موقعیت حرفه‌ای در ارتباط با جامعه یا نهاد سیاست با دشواری و گاه شکست روبرو شود. رئیس انجمن احتراق ایران در این زمینه می‌گوید:

با این‌که انجمن ما فنی است ولی باز هم ما با وجود دوره و کلاس توانا نیستیم. ما سال گذشته شاید ده تا دوره خواستیم برگزار کنیم ولی دو تا برگزار شد. کسی شرکت نمی‌کند. هر

^۱ مؤسسه خیریه‌ای برای حمایت از کودکان دارای سرطان در ایران.

چند دوره‌ها از نظر فنی فوق‌العاده دوره‌های معتبری هستند. ... مثلاً ما دوره‌هایی می‌گذاریم که چگونه افراد مشعل خانه‌های خود را تنظیم کنند. الآن با این مسأله روبرو هستیم که حدود چهل درصد مصرف سوخت برای مصارف خانگی است و اگر هر خانواده بداند که چطور مشعل خانه خود را تنظیم کند حدود سی تا چهل درصد مصرف را کاهش داده است و ما با وزارت نفت این مورد را در میان گذاشته‌ایم و اعلام کرده‌ایم که باید دوره‌ای بگذاریم اما هیچ کاری در این زمینه انجام نشد. این کار را سازمان بهینه‌سازی از ما خواست و ما دوره را تدوین کردیم ولی با آن همه ادعا در این زمینه کاری انجام نشد. در صورتی که اگر این کار انجام می‌شد علاوه بر صرفه‌جویی حتی کار جدید برای افراد حتی دیپلمه‌ها ایجاد می‌شد چه برسد به فارغ التحصیلان فوق لیسانس و دکتری.

لازمه برقراری نقش سیاستی از سوی انجمن‌ها تأمین و تضمین بسترهای لازم برای فعالیت آن‌ها است. پیش‌فرض اخلاقی بودن ماهیت کنش‌های حرفه‌ای انجمن از نظر متخصصان علمی سبب شده تا آن‌ها ارتباط انجمن با بازار یا دولت را یک رابطه حساسیت‌برانگیز در نظر گیرند. به عقیده برخی از رؤسای انجمن‌ها، انجمن‌های علمی نمی‌توانند به بازار ورود پیدا کنند زیرا انجمن‌ها ماهیتی حرفه‌ای، اخلاقی دارند و نقش بازاریابی، برند و مارک‌سازی، تبلیغات و سودجویی را نمی‌توانند دنبال کنند.

به اعتقاد برخی از رؤسای انجمن‌های علمی در حال حاضر، ناظر و منظور سیاست‌گذاری‌ها به طور کلی و سیاست علم به طور خاص در کشور یکی است و آن هم دولت است. در صورتی که انجمن‌های علمی متناسب با رشته و حوزه تخصصی و موضوعی خود می‌توانند نقش منتقد، رصدکننده و پایش‌گر سیاست‌های دولت را در حوزه‌های مختلف داشته باشند. اما پیش از همه این‌ها و شاید عمده‌ترین مسأله‌ای که سبب می‌شود انجمن‌های علمی نتوانند کارکردهای خود را در ابعاد مختلف حرفه‌گرایی و نیز اخلاقی ایفا نمایند، ضعف ساختاری اجتماعات علمی است. وضعی که کل فضای علم و انجمن‌های علمی را نیز در بر گرفته است. وضعیتی که پیامد آن تبدیل شدن انجمن‌های علمی به محافظی صوری و بدلی است. همان‌طور که توضیح داده شد، شکل‌گیری اجتماع علمی هم دلیلی برای تقویت فعالیت انجمن‌های علمی به منظور ایفای نقش‌های درونی و برونی انجمن‌های علمی است. اجتماع علمی هم درون یک رشته و هم بین‌رشته‌ها، هم درون انجمن‌ها و هم بین انجمن‌ها از ضرورت‌های تقویت نقش‌های

حرفه‌ای و هنجارهای اخلاق حرفه‌ای است. به گفته رئیس هیأت مدیره انجمن مدیریت اطلاعات ایران:

تا زمانی که انجمن‌های علمی اتحاد و اجتماع علمی را شکل ندهند؛ یعنی آن جایی که خودش باید بایستد را نتوانسته است فراهم نماید، پس چطور می‌خواهد با حاکمیت و مردم ارتباط برقرار کند. و یا نقش انتقادی نسبت به حاکمیت و یا نقش هدایت‌گری نسبت به مردم داشته باشد. و دقیقاً به خاطر همین هست که آسیب‌پذیر می‌شود. یعنی حاکمیت هر جور که دلش بخواهد می‌آید و رفتار می‌کند. بداخلاقی‌های متعددی در جامعه علمی صورت می‌گیرد اما انجمن نمی‌تواند انتقاد کند، چرا؟ چون فرد بداخلاق یک مدیر رده بالای سیاسی در وزارت‌خانه آموزش عالی می‌باشد. به تعبیری دیگر چون اجتماع علمی شکل نگرفته است، آن‌قدر ضعیف و نحیف است که می‌داند با اندک نقدی خیلی راحت می‌توان مناسباتش را به هم ریخت و متلاشی شود.

چنان‌چه انجمن‌های علمی در تقویت ساختار و نیروهای خود دچار ضعف باشند در ایفای نقش حرفه‌ای نیز موفق نخواهند بود. بنابراین یکی از دلایلی که انجمن‌های علمی در ایران به زعم اعضای‌شان نمی‌توانند نقش حرفه‌ای خود را ایفا کنند همین ساختار ضعیف است (نیز بنگرید به عبداللهی، ۱۳۸۱) که سبب شده است تا، برخلاف برخی ادعاها، انجمن‌های علمی در ایران به عنوان نسخه‌های بدلی انجمن‌های علمی در دنیای علم تلقی شوند.

۲،۳. جایگاه ساختاری انجمن‌های علمی

برخورد شعاری و بدون توجه به هزینه فرصت‌های استفاده از انجمن‌های علمی و بی‌توجهی به کارایی و اثربخشی آنها سبب شده است تا عموم نسبت به توانایی انجمن‌ها باور قوی نداشته باشند. در حالی که انجمن‌ها نیرویی هستند که می‌تواند داوطلبانه به دولت، صنعت و بازار و نیز مردم یاری رساند. به گفته رئیس انجمن مهندسی حمل و نقل ریلی ایران:

... در کشور ما کسی به این باور نرسیده است که انجمن‌ها باید کارکردهای لازم را داشته باشند. ... همه‌ی دولت‌هایی که سر کار آمدند ادعا کردند که انجمن‌های علمی چنین‌اند و چنانند، اما هیچ کاری در این زمینه نکردند. منظور من از هیچ این است که کاری که شده در حد صفر است. این‌ها نشان‌گر این است که ما انجمن‌ها را باور نکردیم.

برآیند نظرات حاکی از آن است که انجمن‌های علمی در جلب مشارکت در سه بخش موفق عمل نکرده‌اند. جلب مشارکت هم‌حرفه‌ای‌ها، دولت و مردم. این سبب می‌شود تا در ارتباط با کارکردهایی که در هر سه سطح دارند نتوانند به خوبی ایفای نقش نمایند. البته دلایل این ناتوانی تنها به عملکرد انجمن‌های علمی باز نمی‌گردد. بلکه از سوی دولت نیز تمایل به مشارکت یا همکاری به دلایل مختلفی یا وجود ندارد یا رویکردی ابزاری، سیاسی و ایدئولوژیک به مشارکت انجمن‌های علمی دارند. موضوعی که در هر بخش بایستی جداگانه مورد بررسی قرارگیرد. در همین ارتباط اذعان می‌شود، بین انجمن‌های علمی، با جامعه و دولت و با صنعت و بازار دیواری وجود دارد که امکان همکاری میان آن‌ها و کاربست ظرفیت‌های انجمن‌های علمی برای اثربخشی در این بخش‌ها یا اساساً وجود ندارد یا اندک است. در ارتباط با مشارکت انجمن‌هایی علمی با دولت، به باور رؤسای انجمن‌های علمی عدم تمایل از سوی دولت قابل توجه است. درباره بی‌توجهی دولت و نهادهای سیاست‌گذار به نقش حرفه‌ای انجمن‌ها، رئیس انجمن ادبیات فارسی پیشنهاد می‌دهد:

مثلاً نظامنامه تربیت استاد یا نظامنامه جذب استاد نوشته شود و این نظامنامه را وزارت علوم برای اجرا، انجمن‌ها را مأمور بکند نه این که در هیأت جذب آن‌ها معیارهای خودشان را عمل کنند و ما هم حرف خودمان را بزنیم. ولی اگر انجمن‌ها قدرت اجرایی داشته باشند؛ مشکلات خیلی کمتر می‌شود. مثلاً انجمن‌ها می‌توانند در اصلاح برنامه‌های درسی دانشگاهی نقش آفرینی کنند. ولی این کار انجام نمی‌شود و این مأموریت به انجمن‌ها داده نمی‌شود. هیچ وقت وزارت علوم از هیچ انجمنی نخواست که برنامه‌های رشته خودشان را بازنگری کنند و پیشنهاد دهند. انجمن ما البته به دلیل این که اعضای انجمن در وزارت علوم هستند می‌توانیم غیر مستقیم در این زمینه تأثیر داشته باشیم، ولی تعریف شده نیست. باید همه چی تعریف شده باشد. انجمن‌ها باید جایگاه حقوقی نیز داشته باشند. البته خیلی جاها هم ممکن است جایگاه حقوقی داشته باشند، اما در نهایت وزارت علوم عملاً کار خودش را می‌کند. باید وزارت علوم به این توجه کند که در واقع انجمن‌ها پتانسیلی هستند که به عنوان بازو باید از آن‌ها کمک گرفت.

در این جا یک پرسش مهم وجود دارد، به‌رغم این که به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران و مدیران نهادها و سازمان‌های اجرایی اغلب از میان دانشگاهیان و متخصصان هستند، چرا در اقدامات‌شان، بیگانه از فضای علمی و به خصوص انجمن‌های علمی عمل می‌کنند؟ پرسشی که

پاسخ به آن می‌تواند تصویر روشن‌تری از وضعیت ساختاری علم در ایران را نشان دهد. آنچه در دنیای علم همواره مطرح است، نقشی است که انجمن‌های علمی به عنوان واسط و میانجی میان بخش خصوصی و دولتی و در پیوند دادن میان علم و صنعت و بخش‌های خدماتی و مشاوره‌ای می‌توانند انجام دهند. استفاده ابزاری از انجمن تنها برای موجه جلوه‌دادن فعالیت‌ها در برخی حوزه‌های سیاست‌گذاری یا تصمیم‌گیری و نفی کردن نقش آن‌ها از سوی دولت سبب شده تا انجمن‌ها خود نیز نقش‌ها و کارکردهای‌شان را به طور کامل انجام ندهند آن‌ها بیان می‌کنند چنان‌چه فعالیت در انجمن صورت می‌گیرد ناشی از مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای و علائق فردی متخصصان رشته‌های علمی است تا به واسطه مشوق‌ها یا فراهم بودن امکانات فعالیت انجمنی. رئیس انجمن انرژی ایران در این باره می‌گوید:

ساختار انجمن‌های علمی در کشور ما هنوز جایگاه ویژه و مرتبط با خودشان را پیدا نکرده‌اند. مثلاً ما انجمنی را تشکیل می‌دهیم و تقریباً کپی‌برداری از کاری است که کشورهای پیشرو انجام داده‌اند و صرفاً یک کپی‌برداری سطحی است و خیلی از اعضا هم نمی‌دانند وقتی وارد یک جمع این‌چنینی می‌شوند؛ چه باید کنند و کارشان چیست. فقط عضو می‌شوند. و نکته‌ی دیگر این‌که اعتباری که انجمن‌های علمی در کشور باید داشته باشند، ندارند. مثلاً انجمن مهندسان مکانیک در آلمان، اگر قرار باشد در حوزه‌ی مکانیک در آلمان قانونی تصویب شود، از آن‌ها استعلام گرفته می‌شود. ... ولی در کشور ما انجمن‌های علمی یک مجموعه‌های جانبی هستند که اصلاً خیلی‌ها با وجودشان مشکل دارند و معتقدند وجود این انجمن‌ها فایده‌ای ندارد و یا اصلاً چرا باید سالی پنج میلیون به آن‌ها بودجه اختصاص داد. ... و در گفت‌وگوهای خودمانی بیشتر به آن پرداخته می‌شود.

این برداشت مشهود است که در حال حاضر انجمن‌های علمی بیشتر صورتی نمایشی برای وزارت علوم دارند تا اتاق‌های فکری که بتوانند نقش واقعی خود را به عنوان مکانی برای مشورت، مشاوره، سیاست‌گذاری، پایش سیاست‌ها و نیز فرصتی برای عملیاتی کردن ایده‌های مدیران و تصمیم‌سازان وزارت علوم ایفا کنند. بنابراین، آن‌ها به عنوان نهادهای تأثیرگذار بر فرایند تولید، ترویج و کاربست علم کمتر محل مراجعه هستند. یکی از شواهد عیان در بی‌توجهی به جایگاه انجمن‌های علمی، اعتبار قائل نشدن برای فعالیت‌های انجمنی هم از سوی محافل علمی و دانشگاهی و هم نادیده گرفتن آن در ارزیابی فعالیت‌های علمی متخصصان

است. چنان‌که این برداشت رایج وجود دارد که عضویت در انجمن‌های علمی بر خلاف کشورهای پیشرو در علم اعتبار و اهمیت چندانی در ایران ندارد.

در بیان نقش انجمن‌ها به عنوان نهادهایی که به طور مشخص باید به موضوع اخلاق حرفه‌ای بپردازد دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد عموماً انجمن‌های علمی در ایران فاقد سازوکارهای رسیدگی به بی‌اخلاقی‌های حرفه‌ای یا برای توسعه اخلاق حرفه‌ای در رشته فعالیت‌های علمی‌شان هستند. اما برداشت دیگری نیز استنباط می‌شود مبنی بر این که از آنجایی که فعالیت انجمنی خصلتی داوطلبانه و اجتماعی دارد خود یک کنش اخلاقی است که بدون هیچ منفعت مادی و معنوی تنها بر اساس علاقه، مسئولیت‌پذیری و دغدغه‌های علمی و اجتماعی صورت می‌گیرد. نکته‌ای که جای تأمل دارد، این است که انجمن‌های علمی پرداختن به موضوع اخلاق را در اولویت اول فعالیت انجمنی خود نمی‌دانند و با توجه به محدودیت‌هایی که انجمن‌های علمی با آن رو به رو هستند، فرصت و امکانات چندانی برای پرداختن به موضوع اخلاق حرفه‌ای ندارند و صرفاً به فعالیت‌های معمول و روزمره خود که تقریباً در همه انجمن‌های علمی عمومیت دارد، می‌پردازند.

یکی از موضوعاتی که تقریباً همه رؤسای انجمن‌های مورد مصاحبه به آن اشاره داشتند، محبوبیت، اعتنا و اعتماد اجتماع علمی رشته به انجمن‌شان است. اما از طرفی ابراز ناراحتی و در برخی موارد دل‌سردی از عدم مشارکت جدی اجتماع علمی آن رشته در انجمن‌های علمی است. حال پرسشی که مطرح می‌شود این است، چرا با وجود محبوبیت و مقبولیت یک انجمن علمی یک رشته، حضور و مشارکت پررنگی از صاحب‌نظران، اساتید و دانشجویان آن رشته در فعالیت انجمنی مشاهده نمی‌شود؟ برای جلب مشارکت بیشتر اعضای یک رشته در تشکیل و تقویت اجتماع علمی آن رشته چه عوامل دیگری نقش دارند؟ این پرسش‌ها و پرسش‌های مشابه، می‌توانند دست مایه پژوهش‌های دیگری قرارگیرند و چشم‌انداز متفاوتی پیش روی ما قرار دهند.

در امتداد هویتی که برای انجمن‌های علمی ترسیم می‌شود، ویژگی‌هایی مانند نبود استقلال سازمانی، نبود حساسیت نسبت به موضوع اخلاق علمی، ضعف در معرفی ماهیت مردمی و مستقل خود، عدم درک ضرورت توجه به موضوع اخلاق حرفه‌ای و بی‌توجهی نسبت به

کاربست مباحث نظری پیرامون نقش انجمن‌ها از سوی خود آن‌ها است. عضو هیأت مدیره انجمن مدیریت اطلاعات ایران می‌گوید:

به لحاظ نظری انجمن‌های علمی یکی از ارکان اساسی شکل‌گیری اجتماع علمی است و از همین منظر به اخلاق علم نزدیک می‌شوند. یعنی یکی از موضوعات مورد بحث اجتماع علمی، هنجارها می‌باشد. انجمن‌ها بالتبع چه بخواهند چه نخواهند وارد این تعامل و بازی شده‌اند. اما علی‌الظاهر وقتی ما بد اخلاقی می‌بینیم، نگاه می‌کنیم و می‌بینیم آن اجتماع علمی شکل نگرفته و آن اجتماع علمی چرا شکل نگرفته؟ یکی از ارکان آن، که انجمن‌های علمی هستند، کار خود را نتوانسته‌اند خوب انجام دهند. حالا؛ این خیلی مورد بحث است: آیا انجمن‌ها آن استقلال و آن ماهیت مردم نهادی‌شان را نتوانسته‌اند حفظ کنند؟ فوق‌العاده این اهمیت دارد. آیا نتوانسته‌اند دست اندازی‌های غیر موجه ایدئولوژیک و سیاسی به داخل علم مانع شوند؟ علی‌الظاهر نتوانسته‌اند این‌ها (تهدیدها) را از سر به خوبی بگذرانند. بالتبع نتوانسته‌ایم به این اجتماع علمی دست پیدا کنیم. همچنین حساس نبودن یا دست کم حساسیت‌های مقطعی یا زود گذر انجمن‌های علمی در اهمیت دادن به اخلاق علمی و حرفه‌ای (البته این نکته به طور خاص در ایران). یک مثال خیلی ساده که عینی و ملموس باشد، برای شما می‌زنم. واقعاً در انجمن‌های علمی ما (مثلاً مهندسی) سخنرانی‌های متعددی در طول سال می‌باشد، چقدر در حیطه اخلاق مهندسی مکانیک سخنرانی داریم؟ یا اگر هم داریم چقدر به آن اهمیت می‌دهیم. هر انجمنی یک کمیته‌هایی دارد و شکل می‌دهد. انجمن مدیریت اطلاعات به جرأت می‌توانم بگویم جزء محدود انجمن‌هایی است که اخلاق اطلاعات به عنوان یک کمیته است. در انجمن‌های دیگر ما چیزی به عنوان کمیته اخلاق حرفه‌ای نداریم.

به این ترتیب چنین برآورد می‌شود که ساختار انجمن‌های علمی و جایگاه ساختاری کنونی آن‌ها، کارکردهای لازم را برای تقویت اخلاق علم فراهم نمی‌کند. برخی علاوه بر عوامل نهادی

انقش حاشیه‌ای انجمن‌ها برای کمیسیون انجمن‌های علمی وزارت علوم نیز مصداق دارد. کمیسیونی که نقش چتری برای هماهنگی و همکاری انجمن‌های علمی در ایران را برعهده دارد نیز نتوانسته است، نقش حلقه واسط میان وزارت علوم و انجمن‌های علمی را ایفا نماید. اذعان به نقش کمرنگ کمیسیون انجمن‌های علمی هم در پیوند دادن انجمن‌های علمی و هم تأثیر آن بر نقش‌های حرفه‌ای انجمن‌ها از سوی مصاحبه‌شوندگان مورد اشاره قرار گرفت.

در سیاست‌گذاری علم که به آن‌ها اشاره شد، عوامل و مشکلات درون ساختاری و برون‌ساختاری انجمن‌های علمی از جمله؛ مسائل و مشکلات مالی، اعتبار نداشتن فعالیت انجمنی به عنوان بخش مهمی از فعالیت حرفه‌ای علمی، عدم انگیزه برای مشارکت، نبود فضای فیزیکی یا مکان مناسب برای استقرار انجمن و حتی نداشتن یا کمبود نیروی اجرایی کاردان از جمله دلایلی هستند که سبب ضعف فعالیت انجمن‌های علمی شده است. همچنین نگاه حاشیه‌ای و تزئینی از سوی نهادهای سیاست‌گذار به انجمن‌های علمی از عوامل دیگر است. نگاهی که ریشه در نوع نگرش سیاست‌گذاران علم و مدیران نهادهای علمی در جلب اعتماد و توجه به کار انجمن‌های علمی و توانایی‌های آن‌ها دارد. به طور نمونه در بیان برخی از چالش‌هایی که انجمن‌های علمی با آن‌ها رو به رو هستند، رئیس انجمن زبان و ادبیات فارسی ایران می‌گوید:

انجمن‌ها مشکلات درونی هم دارند. البته بیشتر آنها مسائل مالی است. کسانی که در این انجمن‌ها فعالیت می‌کنند، باید توجه داشت که این فعالیت چقدر در ارتقای آنان می‌تواند تأثیر داشته باشد. باید بگویم که هیچ تأثیری ندارد. مثلاً یک فردی مقاله‌ای از همان سنخ مقالات کشکی می‌نویسد و امتیاز می‌گیرد، اما یک فرد که تمام وقت خود را برای انجمن می‌گذارد و حتی رئیس انجمن نیز هست، هیچ امتیازی به او تعلق نمی‌گیرد. یعنی باید انگیزه‌ها حساب شده باشد و افراد طالب حضور در این چنین محیط‌هایی شوند. از مسئله‌های دیگری که انجمن با آن روبرو است این است که یک انجمن جای مناسبی هم ندارد، به علت این که باید حقوق بدهد نیروی کار هم ندارد. کمکی که به انجمن‌ها می‌شود در سال نهایتاً پنج میلیون تومان است. حقیقتاً این مقدار بسیار کم است. باید سازوکارهایی برای حمایت از کسانی که در انجمن‌ها فعالیت می‌کنند، وجود داشته باشد. باید تغییر جدی در رویکرد وزارت علوم و دولت به انجمن‌ها ایجاد شود. مثلاً برون‌سپاری کارها را به انجمن‌ها تا از این طریق انجمن‌ها هم درآمدا باشند و هم از کمک‌های وزارت علوم برخوردار شوند. البته من معتقد نیستم که پول مفت به انجمن‌ها داده شود. باید موقعیت برای انجمن‌ها ایجاد شود تا انجمن‌ها خود کسب درآمد کنند. مثلاً باید وزارتخانه‌ها را کوچک‌تر کنند و تنها نهاد سیاست‌گذاری باشد و بخش‌هایی مثل

شورای برنامه‌ریزی، نشریات را می‌توانند به انجمن‌ها واگذار کنند. انجمن‌ها با متخصصانی که دارند می‌توانند با یک دهم هزینه‌هایی که وزارت‌خانه‌ها صرف می‌کنند، کارهای زیادی انجام دهند.

یکی دیگر از مشکلات ساختاری انجمن‌های علمی سهم پایین مشارکت اعضای حرفه در انجمن‌های علمی است. آنچه در بیشتر انجمن‌های علمی اتفاق می‌افتد فعالیت‌های متکی به فرد و تصمیمات، تلاش‌های فردی یا گروه کوچکی از افراد است. انجمن‌ها بر خلاف عنوان و اهدافشان از ساختار مشارکتی و داوطلبانه کافی برخوردار نیستند. چنانچه مشارکتی نیز صورت گیرد موقتی و مبتنی بر تلاش فردی (عمدتاً رئیس و یا اعضای هیأت مدیره انجمن) است. پیامد این وضعیت، ناپایداری فعالیت‌های حرفه‌ای انجمن‌های علمی است. به باور مصاحبه‌شوندگان مشارکت پایین، ریشه در روحیه فردگرایی دارد که به طور کلی در فضای علمی ایران حاکم است. ضعف در مشارکت حتی در میان منتخبان و اعضای هیأت مدیره انجمن‌های علمی نیز وجود دارد. یعنی کسانی که داوطلبانه کاندید عضویت در هیأت مدیره انجمن شده‌اند و در انتخابات انجمن‌های علمی رأی آورده‌اند. در صورتی که اگر انتظار حرفه‌ای‌ها و متخصصان در انجمن‌های علمی این باشد که انجمن‌های علمی نقش اتاق فکر سیاست‌گذاری علم، مشاور دولت، بازار و نهادهای مردمی را داشته باشند، ابتدا بایستی بنیان انجمن توسط هم‌حرفه‌ای‌های هر رشته علمی تقویت شود. رئیس انجمن زبان و ادبیات فارسی ایران می‌گوید:

مشارکت اعضا و گاهی هیئت مدیره هم بسیار پائین است. گاهی اوقات افراد انگیزه کافی ندارند. مثلاً عضو شده‌اند اما علت عضویت را نمی‌دانند. و هیچ انگیزه‌ای ندارند. و گاهی خود انجمن نیز افراد را به فعالیت وادار نمی‌کند. کار اساتید در حال حاضر خیلی زیاد است. مثلاً استادی که باید هشت ساعت تدریس کند و ده ساعت مطالعه کند، به جای مطالعه کارهای دیگری می‌کند و این‌گونه است که اخلاق حرفه‌ای زیر سؤال می‌رود. استاد به جای این‌که در اتاقش بنشیند و پاسخ‌گوی دانشجویان باشد به کارهای دیگر می‌پردازد.

مشکلات مالی، نبود یا کمبود نیروی اجرایی و فضای فیزیکی مناسب و ثابت نیز بر مشارکت اعضا تاثیر گذاشته و بر ضعف و تزلزل ساختاری و کارکردی انجمن‌های علمی افزوده است. هر چند این برداشتی نیز رایج است که می‌توان از شبکه‌های ارتباطی برای جبران مشارکت پایین استفاده کرد. موضوعی که برخی از انجمن‌ها درباره آن حساسیت خاصی داشته

و برای ارتقای فعالیت حرفه‌ای خود تلاش می‌کنند با اشتراک‌گذاری مطالب تخصصی، کیفیت این مشارکت را ارتقا دهند.

۴. رویکرد انجمنی به ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم

راه‌کارهای ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم را برحسب رویکرد انجمنی و اطلاعات گردآوری شده و تحلیل آنها می‌توان به دو دسته راه‌کارهای فرایندی و ساختاری مقوله‌بندی کرد^۱. راهکارهای فرایندی شامل: (۱) جامعه‌پذیری اولیه و ثانویه، (۲) کاربرد اهرم‌های درونی به جای فشار بیرونی، (۳) پهلوان پروری به جای قهرمان‌پروری در اجتماع علمی، (۴) مشارکت حرفه‌ای مؤثر، (۵) بهره‌گیری از تجربیات انجمن‌های علمی بین‌المللی. راهکارهای ساختاری شامل: (۶) تغییر نهادی نسبت به جایگاه ساختاری انجمن‌های علمی، (۷) تقویت جایگاه حقوقی انجمن‌های علمی، (۸) استقلال نهاد علم و انجمن‌های علمی مستقل

۴-۱. جامعه‌پذیری اولیه و ثانویه

یکی از مسیرهای جامعه‌پذیری برای عمل به هنجارهای علم، آموزش است. تأکید بر آموزش اخلاق حرفه‌ای علم به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرایند آموزش از مدرسه تا دانشگاه می‌تواند هم به کاهش ناراستی‌های علمی در فضای حرفه‌ای علم کمک نماید و هم به تقویت اخلاق عمومی و تبدیل اعضای جامعه به افرادی اخلاق‌مند و مسوولیت‌پذیر بینجامد. این فرایند مستلزم انجام اصلاحاتی در رویکرد آموزش، مدیریت آموزش و شیوه‌های آموزش از کودکی است. به گفته رئیس انجمن انرژی:

ما اول باید بر روی اخلاقیات و فرهنگ کار کنیم تا پس از آن اخلاق حرفه‌ای مان خوب شود. به عبارتی بیشتر بی‌اخلاقی‌ها ریشه در جامعه‌پذیری کودکی دارد. ما به شدت کودکان سرخورده‌ای داریم، که در چارچوب سخت‌گیرانه درس، پوشش و موارد دیگر هستند و زندگی معمولی‌ای (عادی) را تجربه نمی‌کنند. با فرهنگ و هنر آشنا نیستند. وقتی فرزندان ما در دوران کودکی، سن سی سالگی را تجربه می‌کنند، چنین تطابقی برایش دشوار می‌شود، در نتیجه ساختار

۱ یادآوری می‌شود این دو دسته راه‌کارها در عمل و در عالم واقع جدای از یکدیگر نیستند و در اینجا صرفاً برای تشخیص و ارائه تحلیلی شفاف‌تر بر پایه اطلاعات گردآوری شده به این صورت تنظیم شده است.

[شخصیتی‌اش] شکسته می‌شود و سپس شما چه انتظاری از این کودک که این چنین بزرگ شده‌است، دارید؟ انتظار دارید اخلاقی عمل کند؟ علاوه بر تأکید بر فرایند جامعه‌پذیری اولیه که با آموزش از کودکی و از مدارس آغاز می‌شود، بر نقش نهادهای علمی مانند دانشگاه‌ها و نهادهایی که متولی تقویت اعتلای فرهنگ جامعه و تقویت ابعاد اخلاقی هستند تأکید می‌شود. به ویژه نقشی که این نهادها در جامعه‌پذیری ثانویه متخصصان و حرفه‌ای‌ها به منظور رعایت هنجارهای حرفه‌ای علم دارند. از آنجایی که موضوع اخلاق حرفه‌ای امتداد اخلاق در جامعه است، بنابراین نمی‌توان تنها از انجمن‌های علمی انتظار ارتقای اخلاق حرفه‌ای را داشت. به ویژه این که در شرایط بی‌هنجاری، تنها یک نهاد قادر به بهبود وضعیت نیست.

یکی از موضوعاتی که در تحقق اخلاق حرفه‌ای و در فرایند جامعه‌پذیری می‌توان آن را محقق نمود، اذعان بر این است که اخلاق حرفه‌ای موضوعی جدا از اخلاق فردی نیست. به گفته رئیس انجمن حمل و نقل ریلی:

در درجه اول اخلاق به ارزش‌های فردی بر می‌گردد، که یک فرد دارای ارزش‌هایی است که در ذاتش نهفته است و این‌ها در واقع باید به نوعی شکوفا شود و ظهور و بروز پیدا کند. یک سری اخلاقیات فردی، اجتماعی و سازمانی وجود دارد. که مجموعه‌ی این‌ها باید کمک کند که برای یک جامعه رشد و بالندگی فراهم شود. ... این دو تا وجه اولیه می‌خواهد: باور قلبی من نوعی برای ایجاد نظم و ارائه آن خدمات انسانی که من باید داشته باشم و بُعد اجتماعی بدین معنا که اخلاق من در اجتماع چگونه است؟ در رابطه میان ساختار تسهیل‌کننده یا زمینه‌ساز اخلاق فردی و پایبندی به آموزه‌هایی که به شیوه سلبی و ایجابی در اختیار او قرار می‌گیرد، فرد می‌تواند حتی در موقعیت یک حرفه‌ای اخلاقیات را در کنش‌های حرفه‌ای خود جاری نماید.

۴-۲. کاربرد مکانیسم‌های درونی به جای اعمال فشار بیرونی

این موضوعی پذیرفته شده است که نظام علم در وضعیت و طی فرایندهای دموکراتیک توسعه می‌یابد. انجمن‌های علمی نیز به دلیل ماهیت دموکراتیک و مدنی خود نقش موثری در این

فرایند برعهده دارند. از همین توان بالقوه می‌توان در ترویج و ارتقای اخلاق حرفه‌ای نیز بهره‌مند شد. به گفته عضو هیأت مدیره/انجمن مدیریت اطلاعات ایران:

انجمن‌های علمی نهادهایی دموکراتیک و به تعبیر امروزی مردم نهاد است. ... از طرفی اخلاق حرفه‌ای یا اخلاق علمی، نظام و سیستمی هستند که بر مبنای یک فرایند دموکراتیک شکل می‌گیرند، بنابراین، اگر انجمن‌های علمی که بخشی از تصدی ترویج و توسعه اخلاق علمی را بر عهده دارند، به بحران و ضعف مشارکت برخورد کنند بدون تردید، به ضعف در توسعه اخلاق علمی هم برخورد خواهند کرد. ... به تعبیری دیگر هرگاه انجمن‌های علمی با بحران مشارکت مواجه شوند بدون تردید توان لازم برای توسعه اخلاق علمی را هم از دست می‌دهند و هرگاه از مشارکت فراگیر و دموکراتیک برخوردار می‌شوند، مسیر توسعه اخلاق علمی را تسهیل و تسریع می‌کنند.

ویژگی دموکراتیک بودن علم با اتخاذ رویکردی ترمیمی، رعایت اخلاق حرفه‌ای علم را تا حد اعلا خود می‌تواند تقویت نماید. بنابراین، راهبردی که فضای هنجاری علم در ایران می‌تواند و باید دنبال کند، ایجاد فضای دموکراتیک، خودانگیختگی، اجماع و پویایی به منظور درونی‌کردن هنجارهای علمی و نیز پایش مداوم آن‌ها است. هنجارهای اخلاق از پایین به بالا می‌تواند ضمانت اجرای درونی را نیز با خود به همراه داشته باشد. پیامد رعایت اخلاق حرفه‌ای در زمینه‌ای هنجارمند و با رویکردی درون حرفه‌ای، دموکراتیک و خودانگیخته حکم یک بازی برد - برد را دارد. هم برای حرفه‌ای‌هایی که در یک سازمان (اعم از دانشگاه، انجمن علمی و هر ساختار سازمانی علم) عضویت دارند و هم برای خود آن سازمان و اعتباربخشی به آن. نکته جالب توجه در هنجارسازی و عمل به هنجارهای اخلاق حرفه‌ای این است که نمی‌توان آن را به عنوان یک هدف نهایی و غایی برای سازمان علم در نظر گرفت. بلکه اخلاق حرفه‌ای به مثابه پدیده‌ای اجتماعی، خصلتی فرایندی و در حال شدن دارد. درونی‌سازی آن نیز یک فرایند است که توسط خود حرفه‌ای‌ها و درون ساختار دموکراتیک علم اتفاق می‌افتد. به گفته عضو هیأت مدیره/انجمن مدیریت اطلاعات ایران:

فرآیند اخلاق حرفه‌ای، تاکید می‌کنم که یک پروسه است نه یک پروژه. و دائماً در حال ساختن خودش است و به سمت یک تعامل سازمانی پیش می‌رود، تک تک افرادی که می‌آیند و قبول می‌کنند و ارزش‌ها را درونی می‌کنند. به این معنا نیست که ارزش‌ها و هنجارها به آن‌ها

تحمیل می‌شود، بلکه مشارکت می‌کنند. اگر واقعاً یک مطالعه موردی و مصداقی پیدا کردند که محل یک چالش اخلاقی بود، مشارکت می‌کنند و نقد می‌کنند و حتی می‌توانند کدی را تغییر دهند.

در هر شرایطی، حتی وقتی کدهای اخلاقی وجود ندارند، درونی‌شدن هنجارهای اخلاق حرفه‌ای ضمانت‌های اجرایی درونی در میان کنشگران ایجاد می‌کند. علاوه بر این، وقتی تعریف هنجارهای اخلاقی از ساختار درونی خود سازمان علمی، اعم از انجمن یا هر سازمان علمی دیگر برخاسته باشد، کاملاً زمینه‌مند بوده و امکان تغییر، اصلاح، تکمیل و پایش آن در بستر زمان و مکان برای آن حرفه وجود دارد. به این ترتیب، یکی دیگر از پیامدهای درونی‌بودن هنجارهای اخلاق حرفه‌ای از باب تعریف، تولید، اجرا و ضمانت اجرای آن فراهم شدن بستری پویا و متناسب با مقتضیات زمانه است.

انجمن‌ها برای درونی‌سازی هنجارهای اخلاق حرفه‌ای هم‌زمان می‌توانند دستورکارهایی را در فعالیتهای خود پیش ببرند: (۱) ایجاد ارتباطات واقعی و نیازمحور در اجتماعات علمی به جای ارتباطات صوری و کمی‌گرایانه؛ (۲) استفاده از سازوکارهای ترمیمی به جای تنبیهی. (به این معنا که فضای انجمن‌ها با فراهم کردن ارتباطات غیررسمی، شیوه‌های کنترل غیررسمی و اصلاحی را درپیش گیرند)؛ (۳) تقویت نقش نهادی و پیش‌گیرانه به جای نقش واکنشی به ناراستی‌های حرفه‌ای. به این معنا که برخورد با ناراستی‌های علمی موردی و گزینشی نباشد، بلکه روبرو شدن با هنجارشکنی بخشی بخش جدایی‌ناپذیر از فرایند فعالیت‌های حرفه‌ای انجمن‌های علمی باشد. به این ترتیب پذیرش و فرایند عادی‌سازی ایفای نقش در این زمینه هم از سوی متخصصان رشته (اعم از متخصصان عضو و غیرعضو انجمن) و هم از سوی نهادهای سیاست‌گذار علم اتفاق می‌افتد. در تکمیل این بحث تأکید عضو هیات مدیره / انجمن مدیریت / اطلاعات / ایران در پرهیز از فعالیت‌ها، ارتباطات و مشارکت‌های صوری از سوی انجمن‌های علمی است:

تا زمانی که دغدغه هیئت مدیره انجمن‌ها این باشد که به آن امتیازهای [مورد نظر کمیسیون انجمن‌های علمی] دست پیدا کنند ولو به صورتی باشد که صوری باشد، ما یک همایش می‌گذاریم، اصلاً نرفتنیم صحبت کنیم با انجمن دیگر که آیا شما می‌خواهید مشارکت کنید یا خیر؟ به آن‌ها می‌گوییم ما لوگوی شما را می‌زنیم. این ارتباط صوری است. ارتباط باید خیلی

وسیع‌تر از این باشد، واقعاً باید مشارکت داشته باشند، دور یک میز بنشینند و بحث کنند. اگر انجمن‌ها صرفاً بخواهند آن امتیازهای روی کاغذ که وزارت علوم برای آنان مشخص کرده است و رتبه به آن‌ها می‌دهد (a,b,c) و توسط آن ارتقا پیدا کنند و صرفاً به آن‌ها اکتفا کنند، اجتماع علمی شکل نمی‌گیرد.

۳-۴. پهلوان‌پروری به جای قهرمان‌پروری در اجتماع علمی

سیاست‌هایی که رشد علم و نه توسعه علم را در دستورکار خود قرار داده‌اند، تأکید را بر تولید «قهرمانان علمی» (به معنای دقیق‌تر آن قهرمانان تولید مقاله، کتاب و پایان‌نامه و ...) در تمام سطوح (از خرد/ فرد تا کلان/ ملی) گذاشته‌اند. یعنی بیشترین تعداد مقاله به ویژه مقاله‌های آی اس آی و آی اس سی، پایان‌نامه، دانشجو، دانشجویی و استادی و بیشترها و برترهای دیگر را دنبال می‌کنند. این سبب می‌شود تا شکل ناقص الخلقه و بدقواره‌ای از رشد علم را در سراسر کشور شاهد باشیم. برای «هیز از چنین وضعیتی بایستی توجه و تأکید را بر پرورش متخصصانی گذاشت که ضمن داشتن تخصص در رشته، به اخلاق و ارزش‌های حرفه‌ای پایبند باشند تا اجماع و اجتماع علمی آنها بتواند زمینه توسعه واقعی علم و دانش معتبر را فراهم نماید. البته این در پرتو تغییرات نهادی در ساختار سیاست‌گذاری علم و در تعامل میان کنشگران حوزه علم و ساختار نهاد علم متصور است که پیش‌تر به آن پرداختیم.

۴-۴. مشارکت حرفه‌ای مؤثر

یکی از راه‌کارهای مطرح با توجه به نقش انجمن‌های علمی، اثرگذاری آن‌ها در توسعه اخلاق میان حرفه‌ای‌ها از یک سو و میان حرفه‌ای‌ها و جامعه از سوی دیگر است. به گفته رئیس/انجمن زبان و ادبیات فارسی:

انجمن‌ها به واسطه نقش نظارتی، آموزشی، راهنمایی و هدایت‌کنندگی خوبی که می‌توانند داشته باشند، در واقع می‌توانند اخلاق را ترویج کنند. نشریات علمی چون وابسته به انجمن‌هاست می‌توانند نظارت بیشتری در این زمینه داشته باشند و آن را ترویج کنند. همچنین در دانشگاه‌ها در درس‌هایی همچون، مرجع‌شناسی و روش تحقیق باید بحث اخلاق علمی را بسط و توسعه داد.

انجمن‌ها با حفظ استقلال و به عنوان نهادهای مدنی علمی و کانون‌های حرفه‌ای می‌توانند در دو سطح ملی و بین‌المللی مورد توجه باشد. در مقام مقایسه، فعالیت‌های برخی از انجمن‌ها با پرسنل اندک و هزینه‌های پایین سبب شده است تا این نقطه نظر تقویت شود که در صورت توجه به توانایی‌های بالقوه‌ای که انجمن‌های علمی دارند وظایف برخی از سازمان‌های اجرایی دولتی، دارای کارمندان بی‌شمار و هزینه‌های گزاف، را می‌توان به آنها واگذار کرد.

۴-۵. تأثیرپذیری از تجربیات انجمن‌های علمی بین‌المللی

یکی از راه‌های توسعه اخلاق حرفه‌ای در انجمن‌های علمی استفاده از تجربیات انجمن‌ها در سطح بین‌المللی و ملی است. اما در این‌جا یک چالش وجود دارد، به گفته برخی از رؤسای انجمن‌های علمی همان‌طور که تشکیل انجمن علمی یک تقلید از فضای علمی دنیا است، آنچه انجمن‌های علمی در زمینه ایفای نقش‌های حرفه‌ای خود برعهده دارند نیز می‌تواند از طریق اشاعه و یادگیری انجام شود. چنانچه برخی از انجمن‌های علمی در حال حاضر با ارتباطات بین‌المللی که با سایر انجمن‌های علمی در رشته خود دارند تلاش می‌کنند تا برخی از نقش‌ها و هنجارهای نقش را در این زمینه الگوبرداری نمایند. نکته قابل توجه این است که وقتی سطح فعالیت‌ها و همکاری‌ها از سطح ملی فراتر می‌رود و جهانی می‌شود آنگاه رعایت استانداردهای حرفه‌ای علم به ناگزیر ضرورت می‌یابد و اهمیت خود را نشان خواهد داد.

۴-۶. تغییر رویکرد نهادی نسبت به موقعیت ساختاری و کارکرد انجمن‌های علمی

تغییر نهادی مستلزم توجه به چند موضوع اصلی است: (۱) تغییر در نگرش‌ها و رویکردهای نهادی که نسبت به انجمن‌ها، توانایی‌های بالقوه آنها در فرایند دانش‌پژوهی، ترویج و کاربست دانش و نقشی که آنها به عنوان مرجع هنجاری اجتماعات علمی دارند، (۲) تغییر رویکرد در ساختار سازمانی سیاست‌گذاری علم در ایران و تعیین جایگاه مشارکتی انجمن‌های علمی، (۳) و توجه به کارکرد ارتباطات بین‌نهادی (انجمن‌های علمی با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و انجمن‌های علمی دیگر) به منظور توسعه اخلاق حرفه‌ای.

در همین ارتباط واگذاری برخی نقش‌ها به انجمن‌های علمی در سیاست‌گذاری‌ها (مانند مشاور، توصیه‌کننده، ناظر و حتی در مواردی به عنوان مجری سیاست‌ها) مسیری برای ارتقای

جایگاه انجمن‌های علمی است. موضوعی که هم در پیشینه مطالعاتی نقش انجمن‌های علمی در ایران بر آن تأکید می‌شود و هم یکی از مطالبات جدی رؤسای انجمن‌های علمی است. به ویژه در شرایطی که تنها ابزار انجمن‌های علمی تخصص آن‌ها است، از این تخصص در تبدیل شدن به اتاق‌های فکر برای سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها می‌توان بهره برد. در حال حاضر ارتباط ارگانیک میان دولت و انجمن‌های علمی وجود ندارد و انجمن‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات دولت و حاکمیت حتی در زمینه علم نقش چندانی ندارند. هر چند که آن‌ها آمادگی خود را برای این مشارکت اعلام کرده و خواهان این ارتباط هستند. در حال حاضر به گفته برخی از رؤسای انجمن‌ها فرایندی از بی‌اعتنایی نسبت به کارکرد و نقش انجمن‌ها نه تنها در سیاست‌گذاری‌های علم، بلکه در سیاست‌گذاری‌های عمومی کشور وجود دارد. در صورتی که رویکرد ابزاری، موردی و مقطعی به انجمن‌ها و توان بالقوه آن‌ها می‌تواند جای خود را همراه با مصونیت سیاسی و قضایی انجمن‌ها به رویکردی واقع‌گرایانه، کارکردی و تعاملی دهد. بی‌توجهی دولت به جایگاه انجمن‌های علمی، مشکلات مالی و منبع درآمدی انجمن‌ها، ضعف رابطه انجمن با مردم، ضعف همکاری وزارت علوم با انجمن‌های علمی، نبود حمایت از انجمن‌ها در عملیاتی و کاربردی نمودن دانش و ایده‌های علمی، نبود حمایت از انجمن‌ها در مردمی‌کردن دانش و ایده‌های علمی روز از جمله چالش‌هایی هستند که حل آن‌ها در گرو تغییرات نهادی و بازنگری جایگاه ساختاری انجمن‌های علمی است. در حال حاضر این باور وجود دارد که انجمن‌های علمی صرفاً دستاویزی برای تظاهر دولتی‌ها در اهمیت دادن به نهادهای مدنی هستند و یا ابزاری برای نمایش آماری و تزئینی در اثبات ادعای مشارکت و فعالیت مدنی از سوی نهادهای رسمی هستند. به گفته رئیس انجمن زبان و ادبیات فارسی:

ما نشست‌های مشترکی با وزارت علوم داریم. برای مثال وزارت علوم سال گذشته با انجمن ما نشست مشترک داشت. در این زمینه نیز رئیس کمیسیون انجمن‌ها نیز خیلی برای نزدیکی انجمن‌ها و وزارت علوم تلاش کرده است. اما واقعیت این است که انگار جدی گرفته نمی‌شود. و این برخلاف همه جای دنیا است. همه جای دنیا نهادهای مردمی و مدنی (سمن‌ها) را به رسمیت می‌شناسند، در ایران نهادهای مردمی و مدنی (سمن‌ها) تزئینی هستند. زینت‌المجالس است. تنها برای این بیان می‌شود که بگویند ما این تعداد انجمن داریم. آن جاهایی که لازم باشد

انجمن‌ها را پررنگ می‌کنند و از آن استفاده می‌کنند ولی آن‌جا که باید کار کارشناسی شود، از انجمن‌ها استفاده نمی‌شود.

۴-۷. تقویت جایگاه حقوقی انجمن‌های علمی

یکی از مشکلاتی که انجمن‌ها در رابطه با وظایف نقش خود در فرایندهای تولید، ترویج و کاربست علم و نیز فرایندهای سیاست‌گذاری علم دارند، این است که اعضای انجمن به عنوان اشخاص حقیقی عضو انجمن‌های علمی می‌شوند و وقتی خارج از انجمن به این فعالیت‌ها می‌پردازند بی ارتباط با عضویت آن‌ها در انجمن‌های علمی است. بنابراین، متخصصان به عنوان افرادی مستقل و نه اعضای انجمن در ارتباط با مشتریان، بازار و دولت محل مراجعه هستند. برای حل این مسأله عضویت اعضای حقیقی و حقوقی (شامل سازمان‌ها، مؤسسات) که بتواند پاسخگوی مشتریان (دولت و بازار و صنعت) باشد می‌تواند تا حدودی به برجسته‌کردن نقش انجمن‌های علمی در این زمینه کمک نماید. تجربه زیسته رئیس انجمن انرژی در این زمینه می‌تواند تصویر روشن‌تری از دلیل عدم توجه به نقشی که انجمن‌های علمی می‌توانند داشته باشد، ارائه کند:

وقتی پروپوزال انجمن‌های علمی می‌آید و در کنار پروپوزال شرکت‌های درجه سه و چهار قرار می‌گیرد، پروپوزال انجمن را کنار می‌گذارند و شرکت تازه بنیان ۵-۱۰ نفره را به مجموعه‌ی انجمنی ترجیح می‌دهند. و برای خودشان دلایلی هم دارند: یکی این‌که انجمن علمی پاسخ‌گو نیست. مثلاً ترکیب شده‌اند از اساتید دانشگاه که در کشور ما برفرض اگر استادی کار تحقیقی خودش را درست انجام ندهد پیگیری قانونی وجود ندارد و شاید به خاطر وجهه اجتماعی توصیه نمی‌شد. و ساختارهایی مثل دانشگاه و مدرسه و همچنین ساختارهای آموزشی جزء مجموعه‌هایی هستند که معمولاً مورد پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرند. ... ولی خوب است که پروژه‌ها به شرکت‌ها از طریق ساختارهایی مثل انجمن‌ها محول شود. و به این طریق انجمن‌ها وارد فضای عملیاتی می‌شوند.

بهره‌مندی از توانایی بالقوه انجمن‌ها و توجه قانونی و حقوقی به جایگاه، مرجعیت و اهمیت انجمن‌های علمی در تمام فرایند سیاست‌گذاری اعم از تصمیم‌گیری و تعیین سیاست یا اجرا، نظارت و پایش سیاست می‌تواند هم سیاست‌گذاری‌های عمومی و اجتماعی را از یک پشتیبانی

کارشناسانه و علمی، عقلانی بهره‌مند نماید و هم می‌تواند به تقویت جایگاه انجمن‌ها به عنوان مراجعی حقیقی و حقوقی کمک نماید.

۴-۸. استقلال نهاد علم و انجمن‌های مستقل

استقلال نهاد علم هم در بعد سیاست‌گذاری و هم در سایر فعالیت‌های حرفه‌ای‌ها که اجتماعات علمی و سایر کنشگران علم (دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و ...) دارند و هم در چارچوب فعالیت‌های انجمنی مورد توجه است. این استقلال از یک سو سبب می‌شود معیارهای ارزیابی و ارزش‌گذاری علمی درون آکادمی به دور از فشارهای بوروکراتیک، ایدئولوژیک و سیاسی تعیین شود. همچنین سبب می‌شود تا مکانیسم‌های ترمیمی و تنبیهی در رو به رو شدن با هنجارشکنی‌ها و ناراستی‌های علمی از دورن خود اجتماعات علمی تضمین گردد. رئیس انجمن ریاضی/ایران استقلال انجمن‌های علمی را کافی نمی‌داند، بلکه استقلال دانشگاه‌ها را راه حل مسأله اخلاق از یک سو و موضوع توسعه پایدار در ایران می‌داند:

استقلال انجمن‌ها راه حل موقتی است. راه حل اصلی، مبتنی بر استقلال دانشگاه‌ها است چون این اتفاق را آنقدر نزدیک نمی‌بینم فقط به عنوان یک راه حل موقت است چرا که دانشگاه‌های مستقل واقعاً نبض توسعه پایدار کشورها هستند. در جوامع غربی گذشته از معیارها و ارزش‌هایی که دارند، رقابت دانشگاه‌های‌شان، علت پیشرفت‌شان است. در غرب دانشگاه‌ها نهادهای سنگین و وزین علمی، اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و اخلاقی هستند که جامعه را هدایت می‌کنند. ما هم باید در کشور خودمان به این سمت برویم و گرنه عقب خواهیم ماند. استقلال انجمن‌های علمی در امتداد استقلال نهاد علم، در ابعاد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، مالی و نیز توسعه علمی از ضروریات و مقدمات ایفای نقش مؤثر از سوی انجمن‌های علمی است. به گفته رئیس انجمن حمل و نقل ریالی ایران:

من انجمن علمی وزارت خانه راه هستم، اما هیچ تبعیتی نمی‌کنم. من استقلال این جا را نمی‌فروشم و برای این که این جا استمرار داشته باشد من حتی پیشنهادهای مختلفی که به بنده شد را نپذیرفته‌ام. باید رصد برنامه‌ی ششم توسعه را به انجمن‌ها بدهند. این ظرفیت قانونی است که باید ایجاد شود. اکثر برنامه‌ها به جز برنامه سوم ناکارآمد بودند و این علت ناکارآمدی باید به وضوح ابلاغ شود و زیر سؤال قرار بگیرند.

سخن از استقلال انجمن‌های علمی تا جایی پیش می‌رود که حتی برخی از رؤسای انجمن‌ها عقیده دارند، انجمن‌ها خود باید بسترها و امکانات مادی و سازمانی را برای شروع فعالیت‌های انجمنی فراهم نمایند. با وجود این از یک سو تأکید بر این است که انجمن‌های علمی باید مستقل و به دور از هر مداخله دولتی فعالیت خود را انجام دهند و از سوی دیگر، به لزوم مشارکت و وجود افرادی از اعضای هیأت مدیره‌های انجمن‌ها در پست‌های دولتی و تقویت ارتباطات بین نهادی و فعالیت‌های آن‌ها توجه می‌شود. این خود نشان می‌دهد، انجمن‌های علمی در ایران نه جایگاه و نقش خود را به درستی دریافته‌اند و نه اعتماد و اطمینان کافی به همین جایگاه و موقعیت کنونی‌شان دارند. از این رو چنین به نظر می‌رسد که خود را نیازمند یک حامی می‌دانند که در بزنگاه‌ها و مخاطرات مراقب آن‌ها باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

رویکرد انجمن‌های علمی به موضوع اخلاق حرفه‌ای علم در ایران و نقشی که آن‌ها در ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم دارند از دغدغه‌های اصلی این مطالعه بود. چرا که فهم این دو موضوع به شناخت عملکرد انجمن‌های علمی درباره یکی از کارویژه‌های اصلی آن‌ها یعنی ارتقای اخلاق حرفه‌ای علم کمک می‌نماید. در آغاز باید به این موضوع توجه داشت که حساسیت بسیار بالایی نسبت به مسئله اخلاق حرفه‌ای علم وجود دارد و عموماً بر ضرورت و اهمیت رسیدگی به وضعیت اخلاق حرفه‌ای علم تأکید و اصرار دارند. اما آشنایی انجمن‌های علمی در ایران با گستره اخلاق حرفه‌ای علم و تأثیر آن اندک است و در اکثر انجمن‌های علمی موضوع اخلاق حرفه‌ای به عنوان موضوعی مشخص مورد توجه نیست و در بیشتر انجمن‌های علمی کمیته اخلاق علم وجود ندارد. در واقع میان حساسیت بالای انجمن‌ها و عملکرد و فعالیت اندک‌شان تناسبی وجود ندارد. یکی از جنبه‌های مهم این پژوهش، اراییه تعریف زمینه‌مندی از اخلاق علم از نقطه‌نظر انجمن‌های علمی است. این تعریف عمدتاً مبتنی بر بیان مصادیقی از هنجارشکنی در ابعاد آموزش و پژوهش علم است. در مواردی نیز گمان بر این است که اخلاق حرفه‌ای همان اخلاقیات اجتماعی و عرفی است که در حوزه علم نیز باید اجرا شود. در میان تعاریف اخلاق علم، توجه به رعایت اخلاق حرفه‌ای علم در فرایند آموزش و پژوهش برجسته‌تر است. بخش عمده‌ای از تعاریف مطرح شده نیز به رعایت اصولی برمی‌گردد که یک کنشگر علمی برای انجام

فعالیت‌های پژوهش می‌بایست مدنظر قراردهد. چنان‌که توافق چندانی بر سر چیستی و تعریف اخلاق حرفه‌ای علم وجود ندارد. به نظر می‌رسد این موضوع نه به خاطر تنوع رشته‌ای بلکه بیشتر به دلیل عدم آشنایی با ماهیت و واقعیت اخلاق حرفه‌ای علم است.

نتایج نشان می‌دهد، فضای هنجاری علم در ایران دارای چند ویژگی برجسته از جمله «سیاست‌های تسهیل‌کننده ناراستی‌های علمی»، «نبود سیاست‌های پایش ناراستی‌های علمی»، «ماراتون سراسری علم‌سازی به جای علم‌ورزی»، و در نتیجه «رهاشدن اخلاق حرفه‌ای علم» است. در این شرایط صرف وجود کدهای اخلاقی نمی‌تواند ضمانت اجرایی لازم برای رعایت اخلاق حرفه‌ای ایجاد نماید، بلکه اخلاق حرفه‌ای بایستی به طرز خودانگیخته و طی یک فرایند آموختنی، درونی‌سازی و تبدیل به بخشی از هویت حرفه‌ای شود. ضمن این‌که ضمانت‌های سیاست‌گذاری (قانونی و اجرایی) نیز به عنوان راهبردهای پیشگیرانه، ترمیمی و تنبیهی به ایجاد فضای هنجارمند بینجامند.

انجمن‌های علمی در مواردی به دلیل فردمحوری به جای مشارکت انجمنی، فقدان یا ضعف مشارکت و فقدان اصالت در فعالیت انجمن، قرار گرفتن در وضعیت رهاشدگی و استفاده ابزاری از آن‌ها، قادر به انجام کارویژه‌های خود در جهت ارتقای اخلاق حرفه‌ای نیستند. این تصویر از فضای هنجاری علم که مانعی بر سر راه انجمن‌های علمی جهت مقابله با هنجارشکنی است هم موید یافته‌های عبداللهی (۱۳۸۱) مبنی بر مشکلات ساختاری انجمن‌ها و هم ادعای قانعی راد (۱۳۸۵ الف) مبنی بر ضعف اجتماع علمی در ایران است. که به نوبه خود امتناع تغییر فضای هنجاری کنونی علم را در پی داشته است که خود نتیجه فرایند هنجارشکنی سیستماتیک، عادی‌شدن هنجارشکنی و فقدان اراده برای تغییر است (قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۶). نتیجه این‌که هرچند، انجمن‌های علمی ایرانی به مسأله‌مندی و ضرورت توجه به اخلاق علم واقف هستند اما از ساختار پشتیبان و امکانات لازم برای رویارویی و پیشگیری از هنجارگریزی و مجازات هنجارگريزان برخوردار نیستند. اقدامات و فعالیت‌های پراکنده و محدود آن‌ها نیز وابسته به علائق و سلايق برخی اعضای آن انجمن‌هاست که بیشتر جنبه شخصی و موقتی دارد. از این رو بسیاری از انجمن‌ها همچنان چشم انتظار اقدامات وزارت علوم برای پیشگیری و مقابله با هنجارگریزی‌ها و ناراستی‌های رخ داده در فضای علمی هستند. رویکردی که مغایر با ماهیت مدنی انجمن‌های علمی به نظر می‌رسد. تناقضی که در این‌جا به چشم می‌خورد این است که

اغلب این انجمن‌ها با وجود این که وزارت علوم و ساختار توزیع منابع و نظام قواعد آن را مورد نقادی قرار می‌دهند، از همین وزارت‌خانه می‌خواهند اقدامات لازم را در این خصوص انجام دهد. حتا این انجمن‌ها بر این باورند که ساختار متمرکز و وابسته به وزارت علوم، آنها را در یک فرایند بوروکراتیک مداوم و بی‌حاصل گرفتار نموده و آسیب‌هایی را نیز بر آنها وارد نموده است. به گونه‌ای که انجمن‌های علمی خود با مشکلات و مسائل بسیاری مواجه هستند و حتی بسیاری از آنها برای پرکردن جداول سالانه وزارت علوم تحقیقات و فناوری و حفظ رتبه‌هایشان به ناگزیر در دام اقدامات صوری، نمایشی و مغایر با اخلاق حرفه‌ای علم می‌افتند. نهادینه‌نشدن فعالیت‌های انجمنی، نبود ارتباط کافی با سایر نهادهای علمی، مشارکت پایین اعضا، نبود استقلال نسبی، نداشتن یا کمبود امکانات (مالی، فیزیکی) و نداشتن ضمانت اجرایی برای پیش‌برد تصمیماتشان، عضویت دوگانه و همزمان اعضای آنها در نهادهای علمی رسمی دولتی و انجمن، تنها برخی از چالش‌های پیش روی انجمن‌های علمی ایرانی است. در نتیجه این که بسیاری از فعالیت‌های انجمن‌های علمی به تثبیت هر چه بیشتر جایگاه‌شان در همین چارچوب ساختاری که منتقد آن هستند منجر می‌شود. وضعیتی که مواجهه با هنجارگریزی‌ها را عملاً غیر ممکن و با امتناع روبه‌رو می‌سازد (بنگرید به قاراخانی و میرزایی، ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۶). از این رو به رغم افزایش تراکم مادی و صوری انجمن‌های علمی، شواهد تجربی نشان دهنده سطح پایین ارتباطات علمی (ابراهیمی، ۱۳۷۲) نبود حلقه‌های فکری (عباداللهی و خستو، ۱۳۹۱) و در نتیجه تراکم اخلاقی پایین (جانعلی‌زاده چوبستی و علیزاده، ۱۳۹۳) است. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که انجمن‌های علمی نیز دچار کاستی‌ها و نواقص ساختاری اجتماع و نهاد علم در ایران هستند. این گفته عبداللهی که «انجمن‌های علمی ایران هنوز با اهداف استراتژیک خود بسیار فاصله دارند و عملکرد یا نقش صنفی و علمی آنها بسیار ضعیف است» (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۵۷) همچنان رواست. برخلاف ادعان به اهمیت نقش انجمن‌های علمی در ارتقای نقش علمی و نیز اخلاق حرفه‌ای تقریباً همه اعضای انجمن‌های مورد مصاحبه اتفاق نظر داشتند، که انجمن‌های علمی ایرانی با توجه به نقش و جایگاه‌شان، بدلی از انجمن‌های علمی واقعی در دنیا هستند و لذا ضرورت و کارکرد آنها در جامعه به طور عام و به طور خاص در جامعه علمی به طور کلی فهم نشده است.

با توجه به همه کاستی‌ها و دشواری‌های پیش روی انجمن‌های علمی در ایران نقش انجمن‌های علمی در ارتقای اخلاق حرفه‌ای در قالب سه رویکرد پیشنهادی می‌تواند متفاوت باشد و زمینه بازنگری در نقش نهادی و جایگاه ساختاری انجمن‌های علمی در ایران را فراهم نماید: ۱) رویکرد دولتی به انجمن‌ها، در این رویکرد بالا به پایین چنین برداشت می‌شود که انجمن‌های علمی برای ایفای نقش خود در زمینه گسترش اخلاق حرفه‌ای علم باید از سوی نهادهای سیاست‌گذار (دولت و وزارت علوم) مورد توجه جدی قرارگیرند. به گونه‌ای که این نهادها با تغییر جهت‌گیری خود نسبت به انجمن‌های علمی آن‌ها را به مثابه مهره‌های بازی سیاست‌گذاری (هم در مرحله تدوین و هم اجرای سیاست‌ها) در نظر گیرند؛ ۲) رویکرد خود اتکابی انجمن‌های علمی: در این رویکرد پایین به بالا چنین فرض می‌شود که انجمن‌های علمی با توجه به ماهیت مستقل و دموکراتیکی که دارند اساساً نباید منتظر چراغ سبز نهادهای سیاست‌گذار و دولتی باقی بمانند بلکه بایستی خود نقطه آغاز فعالیت‌های حرفه‌ای باشند. البته در این رویکرد برخی بر مشکلات و دشواری‌های انجمن‌های علمی از جهت تأمین منابع مالی و نیز ضعف مشارکت هم حرفه‌ای‌ها توجه داشته و محقق شدن نقش انجمن‌های علمی را در پرتو تقویت اجتماع علمی در آن حوزه از دانش می‌دانند؛ ۳) رویکرد تعاملی: این رویکرد بر حرکت توأمان انجمن‌های علمی و نهادهای سیاست‌گذار (در رأس آن‌ها دولت) برای رسیدن به یک نقطه مشترک همکاری استوار است. در این رویکرد انجمن‌های علمی ضمن حفظ استقلال رأی خود از طریق حمایت مالی و معنوی دولت می‌توانند کارکرد حرفه‌ای خود را محقق سازند. در غیر این صورت انجمن‌های علمی نخواهند توانست به وظایف حرفه‌ای خود، که ارتقای اخلاق حرفه‌ای نیز بخشی از آن است، بپردازند.

منابع

- آراسته، حمید (۱۳۸۳) فلسفه انجمن‌های علمی، رهیافت، شماره ۳۲، بهار، صص ۲۶ - ۲۲.
- ابراهیمی، قربانعلی (۱۳۷۲) اجتماع علمی، ساختار و هنجارهای آن، رهیافت، تابستان و پاییز، صص ۳۰ - ۴۰.
- امیرشیبانی، محمدعلی (۱۳۷۳) نگرش تاریخی به انجمن‌های علمی در ایران، رهیافت، شماره ۶، بهار، صص ۸۹ - ۸۰.

- جانعلی زاده چوب بستی، حیدر و مصطفی علیزاده (۱۳۹۳) «اجتماع علمی در جامعه‌شناسی ایران» فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ۲ (۱). صص ۴۱-۹.
- کمیسیون انجمن‌های علمی ایران (۱۳۹۵) شیب رشد عملکرد انجمن‌های علمی ایران از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ <http://www.isacmsrt.ir/files/site1/files.pdf>
- کمیسیون انجمن‌های علمی ایران (۱۳۹۵) جدول امتیاز دهی عملکرد یکساله انجمن‌های علمی سال ۱۳۹۴ http://www.isacmsrt.ir/files/site1/files/forme_ezharnameh_amalkard_94.xls
- طایفی، علی (۱۳۸۰) موانع فرهنگی توسعه تحقیق در ایران «مقدمه‌ای بر اندیشه‌ورزی و اندیشه‌سوزی در ایران»، تهران: آزاداندیشان.
- عبداللهی چندانق، حمید و زهرا خستو (۱۳۹۱) «اجتماع علمی در دانشگاه‌های ایران: مطالعه موردی دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و تهران» مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴، صص ۵۹-۲۴.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۱) «انجمن‌های علمی در زمینه ترویج و توسعه علم و اخلاق علمی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۶۳-۴۷.
- قاراخانی، معصومه و سید آیت‌الله میرزایی (۱۳۹۶) «اخلاق علم در علوم اجتماعی ایران»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قاراخانی، معصومه و سید آیت‌الله میرزایی (۱۳۹۵) «عوامل مؤثر بر ناراستی‌های دانشگاهی در فضای آموزش علوم اجتماعی ایران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره نهم، شماره دوم.
- قاراخانی، معصومه و سید آیت‌الله میرزایی (۱۳۹۴) فضای هنجاری آموزش علوم اجتماعی ایران (مطالعه موردی دانشگاه‌های دولتی تهران)، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۲، شماره ۶۹، تابستان، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- قاراخانی، معصومه (۱۳۹۳) سیاست‌های رفاهی اعضای هیات علمی در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، پاییز، شماره ۶۶.
- قاراخانی، معصومه و سید آیت‌الله میرزایی (۱۳۹۳) اخلاق علم در فضای آموزش علوم اجتماعی ایران، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره بیستم، شماره ۱، صص ۱۱۹-۸۹.
- قانع‌راد، سید محمد امین، معصومه قاراخانی و سید آیت‌الله میرزایی (۱۳۹۶) «مطالعه کارکرد انجمن‌های علمی در گسترش اخلاق حرفه‌ای علم در ایران» طرح پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

- قانع‌راد، سید محمدامین (۱۳۹۵) الگوی چهار وجهی برای ارزیابی توسعه علوم انسانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قانع‌راد، سیدمحمدامین و فرهاد خسروخاور (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی کنشگران علمی در ایران، تهران: نشر علم، چاپ اول.
- قانع‌راد، سیدمحمدامین (۱۳۸۵ الف) «وضعیت اجتماعی علمی در رشته علوم اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷، صص: ۲۷-۵۶.
- قانع‌راد، سیدمحمدامین (۱۳۸۵ ب) «نقش تعاملات دانشجویان و اساتید در تکوین سرمایه اجتماعی دانشگاهی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۱، بهار، صص ۳-۲۹.
- قانع‌راد، سیدمحمدامین (۱۳۸۵ پ) «تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی: مطالعه موردی رشته علوم اجتماعی»، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- میرزایی، سید آیت‌الله و معصومه قاراخانی (۱۳۹۳ الف) اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی ایران، طرح پژوهشی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرزایی، سید آیت‌الله و معصومه قاراخانی (۱۳۹۳ ب) اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی ایران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پانزدهم، شماره دوم.
- میرزایی، سید آیت‌الله و معصومه قاراخانی (۱۳۹۶) دوسویه‌گی ساختاری ناراستی‌های آکادمیک در ایران، *مجله جامعه‌پژوهی فرهنگی*، (زیر چاپ)
- وستفال، ریچارد (۱۳۸۷) تاریخ پیدایش علم جدید، ترجمه عبدالحسین آذرنگ و رضا رضایی، تهران: نشرنی.
- Anderson, Melissa S. and Joseph B. Shultz (2003) The Role of Scientific Associations in Promoting Research Integrity and Deterring Research Misconduct, *Science and Engineering Ethics*, Volume 9, Issue 2, pp. 269-272.
- Bird, Stephanie J. (1998) The Role of Professional societies: Codes of Conduct and Their Enforcement, *Science and Engineering Ethics*, Volume 4, Issue 3, 315 – 320.
- Frankel, Mark S. & Stephanie J. Bird (2003) The Role of Scientific Societies in Promoting Research Integrity, *Science and Engineering Ethics* Volume 9, Issue 2, pp. 139-140.
- Iverson, Margot; Mark S. Frankel, and Sanyin, Siang (2003) Scientific Societies and Research Integrity: What Are They Doing and How Well Are They Doing It?, *Science and Engineering Ethics*, Volume 9, Issue 2, pp. 141-158.
- Kornfeld, William A. and Hewitt, Carl E. (1981) “The Scientific Communities Metaphor” [IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics](#), Volume: 11, Issue: 1, Jan.
- Levineand, Felice J. & Joyce M. Iutovich (2003) Challenges in Studying the Effects of Scientific Societies on Research Integrity, *Science and Engineering Ethics*, Volume 9, Issue 2, 257-268.
- Resnik, David, B. (2008) “Ethics of Science” in Stathis psillos and Martin Curd (first edited), *The Routledge Companion to Philosophy of Science*, Routledge, New York.